



الهام خاکسار

پاره‌های دوستی،

جرعه‌ای عشق

نقد و مروری بر فیلم چکمه، ساخته محمدعلی طالبی

می‌گویند کاپر فیلمساز کاشتن حوادث است. اما مجموعه وقایعی که در چکمه به نمایش گذاشته می‌شود چنان کوچک و ساده و

همیشگی بیرون می‌کشند و در مکتبی حداقل به بلندای زمان نمایش فیلم، آنان را به توقف و توجه در کودکی فرا می‌خوانند. ❏

❏ همه ما روزگاری با چشمان کودکی به دنیا نگریده‌ایم و از همین دریچه خوب و بدها را به قضاوت نشسته‌ایم. هر چند شاید اکنون بسته به موقعیتها و بنا به مشغله روزمره، کم یا زیاد، از آن نگاه شفاف و بی‌آلایش دور افتاده‌ایم. آثار هنری ممتاز کودکان و نوجوانان، که هر از چند گاه امکان ظهور می‌یابند، علاوه بر اینکه در وهله نخست حاوی پیامهای تربیتی برای مخاطبان خردسال هستند، گویی این خاصیت را هم دارند که بزرگسالان را از دنیای پرگرفتاری



کارگردان: محمد علی طالبی، بر اساس کتاب چکمه، نوشته هوشنگ مرادی کرمانی، فیلمبردار: فرهاد صبا، تدوین: حسن حسندوست، صدابردار: محمود سماکباشی، موسیقی: محمدرضا علیقلی، بازیگران: سمانه جعفر جلالی، علی آشکار، شقایق اسلامی، رایا نصیری. محصول گروه تلویزیونی شاهد. ۶۰ دقیقه.

سمانه، دختر یتیمی است که با مادرش در اتاقی محقر زندگی می‌کند. او در غیاب مادر، که برای گذران زندگی در کارگاهی به کارگری مشغول است، روزها نزد زن همسایه می‌ماند. شیطنت‌های سمانه موجب می‌شود زن همسایه به ستوه بیاید و از نگهداری او امتناع کند. سمانه به‌ناچار چند روزی را در محل کار مادر می‌گذراند اما بازیگوشی‌های کودکانه‌اش به اعتراض مدیر کارگاه منجر می‌شود. روزی مادر، برای سمانه یک جفت چکمه قرمز می‌خرد. چکمه‌ها، برای استفاده در آینده، بزرگتر از اندازه پای او انتخاب شده‌است. در اتوبوس سمانه به خواب می‌رود و یک لنگه چکمه از پایش می‌افتد. تلاش مادر و جستجوهای سمانه و دوستش، که در پی لنگه چکمه محله را زیر پا می‌گذارند، به جایی نمی‌رسد. عاقبت مادر لنگه چکمه را به علی، پسر یک پای معلول محله می‌دهد. علی لنگه چکمه را به دلیل رنگ قرمزش نمی‌پسندد و به بیرون پرتاب می‌کند اما به وسیله پیرمرد دوره‌گرد نمکی متوجه می‌شود که لنگه گمشده برای خرد شدن، در کارگاه پلاستیک خردکنی است. سرانجام با تلاش بسیار، علی به کارگاه می‌رسد و با کمک نوجوانی که در آنجا کار می‌کند، در میان انبوه پلاستیک‌های ضایعاتی، لنگه چکمه را می‌یابد و به سمانه بازمی‌گرداند.

می‌دهد. تعجیل به‌زودی در دسرافرین می‌شود و... فصل زیبای تجسس خودسرانه بچه‌ها در کوچه و مواجعه با زن زنبیل به‌دست نیز بهره‌مند از همین روش القای غیرمستقیم است. از دید کودکان، تویخ و سرزنش بزرگترها در مقابل این تجسس خودسرانه از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است اما سمانه، پس از تمرّد جسورانه نخست، مرتکب بی‌فکری دیگری می‌شود و دوچرخه‌ای را به عنوان نشانه علامت می‌گذارد. دوست سمانه

که بیشتر فیلمهای کودکان و نوجوانان با ساخت تجاری، به مجموعه‌ای پررنگ و برق، پر سروصدا و پر از زیاده‌روی تبدیل شده‌اند. توفیق چکمه از آن رو بود که قهرمانانی کوچک، با توقعاتی اندک، بی‌هیچ سهمی از خوشیها پنجره قلبهایشان را چنان رو به آفتاب دوستی گشودند که سرمای سوءتفاهم مجال ماندگاری نیافت. طرح مقوله آموزش، دوستی و مفاهیم روشن انسانی، البته همان چیزی است که

روزمره است که مشکل، نام حادثه برخورد می‌گیرد. این سلسله اتفاقات ملموس فیلم، کمابیش با تجربه‌های ما از دنیا و زندگی هم‌خوانی دارد زیرا حکایت به‌دست‌آوردن‌ها و از دست دادن‌هایی است که همگی نظایر آن را در طول زندگی تجربه کرده‌ایم و به صورت خاطره در ذهن داریم. هنر فیلمساز هم درست در همین جاست: چیدن واقعه‌ای روزمره و بزرگ‌نمایی حادثه‌ای که در نگاهی سطحی، پیش پا افتاده و بی‌مقدار می‌نماید. این

● توفیق چکمه از آن روست که قهرمانانی کوچک، با توقعاتی اندک، بی‌هیچ سهمی از خوشیها پنجره قلبهایشان را چنان رو به آفتاب دوستی گشودند که سرمای سوءتفاهم مجال ماندگاری نیافت.

به‌زودی این اشتباه را درمی‌یابد و سعی در بازگشت دارد، اما سمانه به نظر درست دخترک وقعی نمی‌نهد، پس تنها می‌ماند. در اینجا همه می‌دانیم که تنهایی برای کودک برون‌گرایی چون سمانه، گوشمالی کافی‌ای نیست. ولی تنهایی سمانه مصادف می‌شود با حضور زن مشکوکی که سایه‌به‌سایه به دنبال سمانه است و از قضا کله مخوف گوسفندی را در زنبیل دارد. پس سمانه درست به اندازه خطاهایش، به خودی‌خود متنبه می‌شود.

در فیلم، محرومیتها و حسرتها، هیچ‌گاه آشکارا نمایان نمی‌شود. نبودی اگر هست، در لابه‌لای همه بودنهاست و نداشتنها فریاد زده نمی‌شود. مثلاً یتیم‌بودن سمانه و وضعیت زندگی مادر و دختر در اولین فصلی فیلم، از طریق حضور اشیاء، به شکلی تصویری و موجز اعلام می‌شود. اتاق کوچک و نم‌دار و

تمامی دست‌اندرکاران آثار کودکان داعیه طرح آن را دارند. اما چکمه از آن رو موفق است که در رویارویی با کودکان به طوماری از بایدها و نبایدهای پرده‌شبه نمی‌شود و به هیچ‌روی نصیحت‌گو و موعظه‌گر نیست. مثلاً در هیچ جای فیلم نمی‌شنویم که بچه‌ها مستقیماً به حرف‌شنوی از بزرگترها ترغیب شوند، بلکه به روشنی اثرات بی‌توجهی به توصیه‌های بزرگترها - در اینجا مادر - را می‌بینیم. در ابتدا تمام گرفتاریها با گم‌شدن لنگه چکمه سمانه شروع می‌شود. درست است که چکمه به انتخاب مادر، بزرگتر از پای سمانه خریده شده اما قبلاً از مادر شنیده‌ایم که: «کفشها با جوراب پشمی اندازه می‌شوند.» سمانه ذوق‌زده است. پس در میان غریب و هیاهوی سرخوشانه‌اش، تذکر مادر را نمی‌شنود و در پوشیدن چکمه شتاب به خرج

انتخاب با ذائقه از پیش شکل‌گرفته عامه تماشاگران، البته تعارض پیدا می‌کند زیرا این گروه و به‌ویژه کودکان با توقع تماشای رویدادهای استثنایی و غیره منتظره به سینما می‌روند. بنابراین گم‌شدن لنگه چکمه‌ای پلاستیکی، هر چند صاحبش دخترکی فقیر و آرزومند باشد، در ظاهر حادثه بزرگ و چشمگیری نیست. اتفاقاً همین سوژه کوچک، وقتی قرار است به تبع داستان از ابتدا تا انتها در خانه‌ای فقیرانه و کارگاهی کوچک و کوچکس کوچه‌هایی باریک و فقیرانه تصویر شود، احتمالاً از دست دادن تماشاگر را چندبرابر می‌کند و کار فیلمساز را مضاعف دشوار. زیرا جلوه‌های چشمگیر ظاهری، لباسهای رنگین و خانه‌های مجلل و رنگ و نور، به خودی‌خود حلاوتی فریبنده دارند که لوکیشنهای فقیرانه فاقد آنها. از همین روست



● برخی چهره‌ها که در فیلم بشارت‌دهندگان آشتی و دیگرخواهی هستند، با توسل به اشاره‌هایی تکراری و مستعمل و گاه شعاری معرفی شده‌اند.

● طرح موضوع زن در این فیلم به شکل پس‌زمینه، محدود به عنوان کردن معضلات زنان شاغل نیست، که استقلال، هوشمندی، زیبااندیشی و سخاوت زنان، در جای جای فیلم و در کل اثر رسوخ کرده‌است.

چرخ خیاطی مادر (که تنها وسیله «پیشرفته» آنهاست) گویای وضعیت مالی، و آئینه و شمع‌دان کوچکی که در دو سوی قاب عکس پدر قرار گرفته، نشان از فقدان پدر و شرایط خاص خانوادگی آنها دارد. پس مقوله دیدن و خوب دیدن، در اینجا به شکلی انجام می‌گیرد که در نوجوانان وجه خردمندانه و نقادانه‌ای را تقویت می‌کند. ایجاد چنین تأثیر مطلوبی، بی‌شک این مخاطبان کوچک را از تأثیر لجام‌گسیخته آن دسته از فیلمهای تجاری که سبک‌رانه آدمهای خوب را همیشه زیبا و برازنده و آدمهای بد را زشت و بدظاهر نشان می‌دهد، در امان نگاه می‌دارد. زیرا در میان فیلمهای یادشده افراط در استفاده از جاذبه‌های ظاهری، به‌خصوص زمانی که قرار است قهرمان داستان دختر باشد، امری مسبق به سابقه است. در نخستین گام، دخترکان بازیگر نقشهای اصلی فیلمهای تجاری باید زیبا باشند. در اینجا ممکن است دارا بودن فیزیکی مناسب، همچون ضرورت ابزار کار، شرط منطقی و لازمی تلقی شود اما توجه داشته باشیم که تاکنون دارا بودن این ویژگی در انتخاب بازیگران دختر در مقایسه با بازیگران پسر با تأکید و توجه بیشتری ملحوظ نظر بوده‌است. شاهد مثال بازیگران پسر نوجوان فیلمهای یاز و به‌خاطر هائیه هستند. در چکمه، بازیگر نقش سمانه (سمانه جعفرجلالی) بیشتر براساس گفتار و حرکات و به‌خصوص بازی روان و دلچسبش خواستنی به‌نظر می‌رسد. بازی خیره‌کننده سمانه، بی‌شک حاصل تجربه‌اندوزی و تسلط فیلمسازی است که قلیق بچه‌ها را به‌خوبی می‌شناسد. پس سهم کارگردان در طرح و ارائه این چهره مقبول و مطلوب، برخلاف فیلمسازی که ساده‌انگارانه بیش از هر چیز به‌سوی فیزیکی جذاب می‌روند و در بازی گرفتن از کودکان نیز ناموفق باقی می‌مانند، محفوظ است.

اگر قرار باشد برای این فیلم پیش‌زمینه و

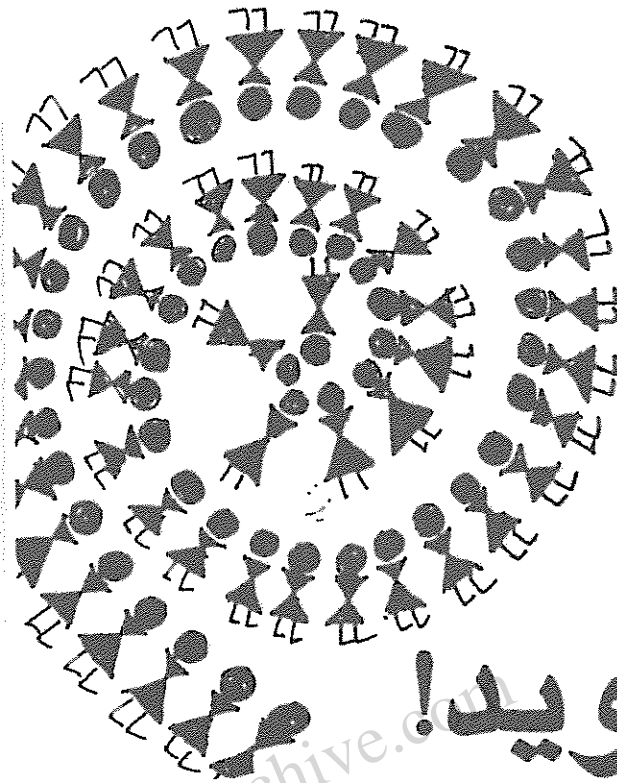
پس‌زمینه‌ای قایل باشیم، پیش‌زمینه و کانون توجه، ظاهراً کودکان و روابط عاطفی غنی بین آنهاست. اما در پشت این مناسبات کودکانه، فریاد خاموش زنی قربانی محرومیت، به کل روابط معنا و مفهوم می‌بخشد. قصد فیلم البته آن نیست تا با تصاویر گزارش‌گونه یا مقاله‌ای، مشکلات همیشه‌گی زنان شاغل را توصیف کند. اما ترکیب مجموعه تصاویر موجز و سیال فیلم، تأثیری عمیق نسبت به زنان تحت فشارهای فرساینده شغلی، و به ویژه مادران، ایجاد می‌کند. در فصلی از فیلم مادر، سمانه را در زیر چادر خود پنهانی وارد کارگاه می‌کنند. در آنجا برای مهار کردن رفتار بازیگوشانه غریزی سمانه - که در فضای کاری مادر غیرمجاز است - ناگزیر پای او را به جایی می‌بندند. واکنش زن در اینجا به عنوان آخرین راه حل به منظور ادامه بقا، البته منطقی است اما اصطکاک و مواجهه منطقی دل و منطقی ذهن، و محقق شناختن مادر یا کودک، ما را گرفتار تردیدی سخت و احساسی دوگانه می‌کند. گرچه در نهایت از دیدن آن پای کودکانه که ناروا بسته شده، قلبمان فشرده می‌شود اما مادر زخم‌خورده از تقدیر، در چنین لحظه رقت‌انگیزی، نه تنها به هیچ‌روی سزاوار نگرش به نظر نمی‌رسد، که به دلیل مقاومت و مداومت، کاملاً در بیننده احساس همدلی ایجاد می‌کند. زیرا این مادر که می‌تواند شمایل تمثیلی همه زنان درگیر نان و معاش باشد، تنها محکومی سازنده است و بس؛ محکومی که آرزویان رهاشدن اوست. اما این آرزو مترادف کار نکردن مادر نیست، که تنها مشتاقی بی‌گاری نکردن او هستیم، که می‌خواهیم مادر فرصت زندگی کردن پیدا کند و روز و شبهای چنین نباشد که هست. طرح موضوع زن در این فیلم به شکل پس‌زمینه، محدود به عنوان کردن معضلات زنان شاغل نیست، که استقلال، هوشمندی، زیبااندیشی و سخاوت زنان، در جای جای فیلم و در کل

اثر رسوخ کرده‌است.

گواه اغراق‌آمیز نبودن این مفاهیم، تمامی فصول واقع‌گرایانه‌ای است که مادر با دیگران ارتباط دارد. صرف‌نظر از قابلیت‌های شغلی زن، جنس دوستی مادر با زن همسایه، شیوه گفتار و رفتار و نزدیکی‌اش با سمانه و واکنشهای مادر نسبت به دیگر بچه‌ها از آن جمله‌اند. به عبارت دیگر، چهره مادر در این فیلم، که بسیار تعمیم‌پذیر هم هست، همواره با خود، هاله‌ای از لیاقت و توانمندی به همراه دارد.

البته خوب بودن سقف ندارد و همیشه می‌توان بهتر از آنچه هست بود، همچنان‌که چکمه نیز از برخی شتابزدگی‌ها و آسان‌گیری‌ها در امان نمانده‌است: برخی چهره‌ها که در فیلم بشارت‌دهندگان آشتی و دیگرخواهی هستند، با توسل به اشاره‌هایی تکراری و مستعمل و گاه شعاری معرفی شده‌اند. مثلاً دستی در یک نمای نزدیک به گلدانی آب می‌دهد و در ادامه می‌بینیم که دست پیرمرد مهربان دکهداری است که لنگه چکمه را در اتوبوس پیدا کرده و دغدغه یافتن صاحبش را دارد. یا نفس واگذاری امری خطیر به یک کودک قهرمان معلول (علی). همچنین در سکانسی که علی در مسیر کارخانه پلاستیک‌خردکنی با سگی سیاه مواجه می‌شود، راه‌حلی که موجب فرار سگ و رهایی علی می‌شود، باران است. مقایسه این بخش از فیلم که گره‌گشایی، معلول عنصری طبیعی است، با فیلم نان و کوجه (عباس کیارستمی) که در آن پسرک خردسال برای عبور از کوجه تکه نانی به سگ می‌دهد و دوستی او را جلب می‌کند، نشان می‌دهد که بهتر است آن‌گاه که با تماشاگرانی، چون کودکان دقیق، سروکار داریم، برای حل مشکلات و آموزش، پاسخهایی بنیانی و هوشمندانه ارائه دهیم. ■

شما که به پکن می‌روید!



آنچه می‌خوانید زادسفری است برای آنها که به پکن می‌روند: عریان ساختن تلمخیها و ناکامیهای تجربه نایروبی از سر دلسوزی و همدردی، ارائه اطلاعات و دست‌آورد های کنفرانسهای گذشته و اعلام نیازها و نظراتی که زنان ایرانی از این سفیران در بازگشت از پکن دارند: انتقال مسائل و مشکلات زن ایرانی و تلاش و مبارزه او برای رسیدن به برابری و آزادی و بازآوردن راه‌آورد تجارت زنان دنیا برای زنان ایران. این مقالات حاصل همکاری ماهنامه زنان، فصلنامه گفتگو و تعدادی از کارشناسان در حوزه مسائل زنان ایران است.

زمینه‌های برابری، توسعه و صلح را شامل می‌شود. این استراتژی‌ها از جانب دولت ایران نیز پذیرفته شده، اما در دهه سالی که از تهیه و تصویب آن می‌گذرد، مفاد آن به ندرت در سطح جامعه مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. چه جای تعجب که سند تازه چند ماه پیش، آن‌هم توسط نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، به فارسی ترجمه و به تعداد معدودی پخش شده است. ظرفه آن که یکی از رهنمودهای این سند به دولت‌ها این است که «استراتژیهای آینده‌نگر را حتی الامکان برای همگان پخش و کاری کنند که محتوای آن به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شود تا مقامات و عموم مردم و به‌ویژه سازمانهای زنان در سطح عامه از اهداف و توصیه‌های مندرج در آن آگاهی یابند.»^۱ کاری که پس از گذشت تقریباً ده سال صورت گرفته است. همین تذکر در مورد تأسیس دفتری که وظیفه هماهنگی سازمانهای غیردولتی را ایفا کند، صادق است.

این تجارب نشان می‌دهد که هرچند امضای اسناد بین‌المللی و قطعنامه‌ها کاری است سهل، حرکت در جهت اجرای مفاد این قطعنامه‌ها به کندی و گویی با اکراه صورت می‌گیرد. امضای اسناد و قطعنامه‌های بین‌المللی از طرف دولت‌ها می‌تواند پیرو

سیاست‌گزار» مورد استفاده همه دولت‌ها قرار می‌گیرد.

سعی افرادی که از طرف دولت ایران یا از طرف سازمانهای دولتی ایرانی در این کنفرانس شرکت می‌کنند، عمدتاً این است که سایر شرکت‌کنندگان را از مواضع دولت ایران پیرامون قطعنامه‌هایی که به تصویب گذاشته می‌شود، مطلع و حتی‌المقدور کاری کنند تا قطعنامه نهایی‌ای که در آن رهیافت‌های آینده معین می‌شود، همسو و همساز با دیدگاهها و سیاستهای دولت جمهوری اسلامی باشد.

نقش سازمان‌های غیردولتی نیز در تدوین این سند نهایی اساسی است زیرا آنان، می‌توانند از طریق تریبون‌های موجود نظر مستقل خود را پیرامون مفاد قطعنامه بازگو کنند و از طریق صحبت با نمایندگان دولت‌ها، آنان را وادار به پذیرفتن یا در نظر گرفتن دیدگاههای غیردولتی کنند.

شبهه همین گردهمایی، ۱۰ سال پیش در نایروبی تشکیل شد که حاصل کار آن، سندی به نام «استراتژیهای آینده‌نگر نایروبی برای پیشرفت زنان» که استراتژیهای اتخاذ شده به منظور بازنگری و ارزیابی موفقیت‌های به‌دست‌آمده در دهه ۱۹۷۵-۱۹۸۵، در

شما که به پکن می‌روید، در یکی از دو گردهمایی‌ای که تقریباً همزمان در پکن برگزار می‌شود و یا شاید در هر دوی آنها شرکت خواهید کرد. این گردهمایی‌ها فرصتی است برای زنان تا پیرامون مسائل خود به گفت‌وگو بنشینند و شیوه‌های سازمان‌یابی، بسیج، تبلیغ و ترویج و آموزش را مورد توجه قرار دهند. یکی از این گردهمایی‌ها، که حدود ۳۵ هزار نفر شرکت‌کننده خواهد داشت، «گردهمایی سازمانهای غیردولتی»^۱ خواهد بود. این گردهمایی که دستور جلسه و چارچوب ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد، موقعیتی برای تجمع افراد است تا به تبادل نظر پیرامون تجربیات به‌خصوص در زمینه تأثیرگذاری بر سیاستهای دولت‌های متبوعشان در حوزه مسائل زنان بپردازند. در ضمن می‌دانیم این گردهمایی زمینه‌ساز تشکیل سازمانها و شبکه‌های جدید در امور زنان می‌باشد.

گردهمایی دوم، همان اجلاس دولتی است که دستور جلسه از پیش تعیین شده و اهداف مشخص و روشنی دارد و «چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد زنان»^۲ نام دارد که نمایندگان دولت‌ها در آن شرکت می‌کنند. هدف این گردهمایی تدوین برنامه عملی مشترکی است که به منزله «سند

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

استراتژیهای آینده‌نگر برای پیشرفت زنان که در کنفرانس جهانی ناپروبی به تصویب رسید؛ به سندی به نام کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ارجاع می‌دهند. از این رو هیچکدام از مصوبات قطعنامه‌های سازمان ملل، از جمله سند ناپروبی و همین‌طور سندی که در چین به تصویب خواهد رسید؛ نباید در تناقض با مفاد کنوانسیون نامبرده باشند.

حدوداً ۱۲۰ کشور، از جمله بسیاری از کشورهای جهان سوم یا با اکثریتی مسلمان، همچون اندونزی، مصر، بنگلادش، چین، عراق، نیجریه، سنگال، تونس، ترکیه و... به عضویت کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان درآمدند. این کنوانسیون از دول عضو می‌خواهد که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض علیه زنان را در پیش گرفته و «اصل مساوات زن و مرد را در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه بگنجانند...» و نیز «کلیه مقررات کیفری که تبعیضات علیه زنان را دربردارد، فسخ» نمایند.

کنوانسیون نامبرده ملاحظاتی را دال بر

رعایت خصوصیات فرهنگی و تاریخی- سنتی هر کشور به هنگام امضای آن می‌پذیرد اما با تأکید در ماده ۲۸ خود یادآور می‌شود که «ملاحظاتی که با اهداف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد». یعنی تمامی قطعنامه‌هایی که به این کنوانسیون استناد می‌کنند و نیز تمامی کشورهایی که پای این قطعنامه‌ها را امضا می‌کنند، در واقع مفاد کنوانسیون را پذیرفته‌اند و در نتیجه هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه تفاوت‌های فرهنگی و خصوصیات محلی، قوانینی ناقض مواد این قطعنامه به تصویب برساند.

فشارهای بین‌المللی و نیز برای همسویی با سایر کشورها و در نتیجه پرهیز از انزوای بین‌المللی صورت پذیرد اما عملی کردن و فعالیت در جهت رهنمودهای داده شده در این اسناد و استراتژیهای تعیین شده به مقدمات دیگری نیاز دارد که بسیاری اوقات مورد عنایت دولتها قرار نمی‌گیرد. از این رو بر سازمانهای غیردولتی ایرانی شرکت‌کننده در این کنفرانس الزامی است که از کاستیها و

نقاط ضعفی که مانع عملی شدن رهنمودهای کنفرانس پیشین در ایران شده‌است آگاه باشند و درصد چاره‌جویی برآیند تا قطعنامه‌یکن به سرنوشت قطعنامه ناپروبی دچار نشود.

همان‌گونه که دراول نوشته یادآور شد، مهم توجه هیأت‌های دولتی و افرادی که از جانب سازمانهای دولتی در این کنفرانسها شرکت می‌کنند، به هماهنگ کردن قطعنامه با سیاستهای عمومی‌شان است. نگاهی به تنها

گزارش مکتوب و عمومی از کنفرانس ناپروبی، حاکی از توجه بیش از حد اعضای شرکت‌کننده به سیاستهای عمومی و مسائلی از این دست می‌باشد. به این معنا، جنبه عملی مسائل، تجربه‌آموزی از روش سایر کشورها در پیشبرد مفاد قطعنامه‌ها، مقایسه شکل‌های سازماندهی و بسیج عمومی برای پیشبرد این اهداف، نوع رابطه مطلوب بین سازمانهای دولتی و غیردولتی و سایر حوزه‌های مهم همه‌به

تاریخچه کنفرانس جهانی زن

مجمع عمومی سازمان ملل، سال ۱۹۷۵ را به عنوان «سال جهانی زن» اعلام و بدین ترتیب مقدمات برگزاری اولین کنفرانس جهانی پیرامون مسائل زنان را فراهم کرد. این کنفرانس میان‌دولتی که در مکزیکوسیتی برگزار شد و ۱۳۳ کشور و بیش از هزار نماینده در آن شرکت داشتند، اولین برنامه عمل جهانی را برای پیشبرد امور زنان تدوین کرد. به موازات این کنفرانس، شش هزار زن و مرد در گردهمایی دیگری شرکت کردند که ویژه سازمانهای غیردولتی بود. هر چند این اجلاس، طبق توافق اولیه، قطعنامه‌ای صادر نکرد اما خود آغازی برای برانگیختن حساسیت دولتها نسبت به مسائل زنان و به‌کارگیری سازمانهای غیردولتی برای پیشبرد امور در این زمینه شد. سازمان ملل، همچنین، سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را «دهه زن: برای برابری، توسعه و صلح» اعلام کرد.

پنج سال بعد، دومین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۸۰ در کپنهاگ دانمارک برگزار شد. در این کنفرانس، بازبینی پیشرفت‌های به‌دست‌آمده پس از اولین کنفرانس و نیز تعیین اهداف دویمین نیمه دهه زن مورد بررسی قرار گرفت. در دستور کار این کنفرانس، به موضوعهای پیشین، سه محور دیگر یعنی آموزش، اشتغال و بهداشت اضافه شد. در کپنهاگ، به موازات گردهمایی دولتها، سازمانهای غیردولتی نیز گردهم آمدند و همان موضوعهایی را که در کنفرانس و توسط نمایندگان دولت مطرح شد، بین خود به بحث گذاشتند.

سومین کنفرانس جهانی زن، در آخر دهه زن، در سال ۱۹۸۵، جهت بازبینی و تأیید دستاوردهای دهه زن در ناپروبی کنیا برگزار شد. نتیجه این کنفرانس سندی با عنوان استراتژیهای آینده‌نگر برای پیشبرد زنان تا سال ۲۰۰۰ بود که با حضور و مشارکت ۱۶ هزار نماینده دولتی و سازمانهای غیردولتی از سراسر جهان، به اتفاق آراء تصویب شد.

این سند برنامه عملی دولتها و گروه‌های بین‌المللی را در زمینه‌های مشخص، در جهت بهبود وضعیت زنان تعیین و ارائه کرده است. سازمانهای غیردولتی نیز با برپایی سخنرانی، میزگرد، نمایشگاه، کارگاه، جشنواره فیلم، غرفه، بازار و... فعالانه در ناپروبی شرکت کردند.

کنفرانس جهانی زن در چین، چهارمین کنفرانس است که سازمان ملل به این صورت و بنا بر این هدف برگزار می‌کند. موضوع کنفرانس شناسایی راه‌هایی برای دستیابی به اهداف یادآوری شده و برنامه آن بررسی جهانی نقش زنان در توسعه و صدور اعلامیه‌ای است که در آن خط مشی‌های کلان در پیوند با فعالیت‌های عملی تشریح شده‌باشد. در یکن نیز سازمانهای غیردولتی، از ۱۷ تا ۱۸ شهریور امسال (۳۰ اوت تا هشت سپتامبر ۹۵) حضور خواهند داشت تا با بحث و تبادل نظر، خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کنفرانس مهیا سازند.

عهده افراد و سازمانهایی است که به صورت شخصی و مستقل در این کنفرانس شرکت می‌کنند.

نمایندگان دولت، که برای شرکت در این کنفرانس به پکن می‌روند، به پشتگرمی سندی به نام «گزارش ملی» از مواضع خویش دفاع خواهند کرد اما سازمانهای غیردولتی ایرانی بدون آگاهی به اتفاق نظرها و نیز تفاوتهای موجود در دیدگاههایشان به پکن خواهند رفت. آگاهی به اتفاق نظرها و نیز تفاوت دیدگاهها بین خود این سازمانها و نیز با دولت به گردهماییهای مستقل و آزادانه‌ای نیاز داشت که می‌بایست در طول ده سالی که کنفرانس نایروبی را از پکن جدا می‌کند، تشکیل می‌شد و به زنان ایران اجازه می‌داد که آزادانه و بدون سرپرستی و قیومیت دولت به تبادل نظریات خود بپردازند. شاید اگر یک چنین اتفاقی می‌افتاد سازمانهای غیردولتی نیز سندی را به همراه خود به پکن می‌بردند که بیانگر نظرات جامعه مدنی ایران در زمینه پیشبرد امور زنان بود. اما در غیاب یک چنین سندی، فعلاً تنها متنی که بخشی از این سازمانها را به هم پیوند می‌دهد سندی است به نام سند تهران، که در آن فقط جنبه‌ای از جوانب مسائل زنان ایرانی پیش کشیده شده است و جوانب اساسی دیگر، به کلی، به فراموشی سپرده شده‌اند. حتی اگر بپذیریم که سکوت پیرامون مسائلی همچون حقوق برابر زنان، فرهنگ زن‌ستیز موجود در برخی کشورهای منطقه و... برای جلوگیری از تکراری شدن مطالب یادآوری شده در سند جاکارتا بوده است، مشکل می‌توان کم‌بها دادن به نقش سازمانهای غیردولتی را حتی در اجرای مفاد خود این بیانیه توجیه کرد. از این رو انتظار می‌رود سازمانهای غیردولتی ایران و افرادی که به‌طور مستقل در این گردهمایی شرکت می‌کنند، با بازگو کردن سایر دیدگاهها، این کمبود را برطرف کنند و تجارب دموکراتیک سایر کشورهایی را که در آنها سازمانهای گوناگون غیردولتی با دیدگاههای متفاوت به همزیستی و تعادل مثبتی با دولت رسیده‌اند، برای کسانی که به پکن نمی‌روند به ارمغان بیاورند.

یادداشتها:

- 1 - NGO Forum on Women in Beijing 95.
- 2 - U.N. Fourth World Conference on Women.

سند جاکارتا و بیانیه جاکارتا

اجلاس جاکارتا نخستین نشست منطقه‌ای میان دولتی پیش از برگزاری کنفرانس جهانی زن در پکن بود که حدوداً یک سال پیش در اندونزی تشکیل شد. در این نشست، کشورها ضمن ارائه گزارش از کارهای انجام شده در کشورشان برای بهبود وضع زنان در ۱۰ سال گذشته، استراتژیهای آینده را نیز بررسی کردند. حاصل این نشست یک سند و یک بیانیه بود.

سند جاکارتا در واقع نسخه تجدیدنظر شده استراتژیهای آینده‌نگر نایروبی است. این سند همراه با سایر اسنادی که از سایر منطقه‌ها و کشورها به کمیته تدارکات کنفرانس فرستاده می‌شود، پایه سند نهایی کنفرانس پکن را تشکیل می‌دهد.

بیانیه جاکارتا توسط سازمانهای غیردولتی تنظیم شده است و سندی است حاصل گفت‌وگوی این سازمانها با سازمانهای دولتی. این بیانیه به صورت جزوهای جاری ۱۰۳ پیشنهاد کلیدی در زمینه بهبود وضعیت زنان و ۱۰ رهنمود برای عملی ساختن آن منتشر شده است. اهمیت بیانیه جاکارتا از جمله در این است که صدای سازمانهای غیردولتی منطقه آسیا و نشان پیشرفت و کارکرد وسیع سازمانهای غیردولتی در برخی از کشورها در این منطقه است. لحن این بیانیه که خطاب به دولتها نوشته شده است، از راهی طولانی نشان دارد که سازمانهای غیردولتی در ایران برای رسیدن به استقلال از دولت باید بیایند.

هم سند و هم بیانیه جاکارتا به فارسی برگردانده شده و می‌بایست که در دسترس شرکت‌کنندگان ایرانی کنفرانس جهانی پکن قرار گیرد.



۳- استراتژیهای آینده‌نگر نایروبی برای پیشرفت زنان، ترجمه شیوا صفوی، حشمت کامرانی، تکثیر توسط نمایندگی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در تهران. تلفن ۸۰۱۷۶۱۱-۱۷.

گزارش ملی

کمیسیون مقام زن در سازمان ملل، که وظیفه آماده‌سازی کنفرانس جهانی پکن را به عهده دارد، از هر یک از دولتهای عضو سازمان ملل درخواست کرده بود تا گزارشی پیرامون وضعیت زنان در کشور خود تهیه کنند. تهیه این گزارش یکی از وظایف کمیته‌ای به نام «کمیته ملی» است. در ایران چنین کمیته‌ای با نام کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن به ریاست شهلا حبیبی تشکیل شد.

گزارشهای ملی که از طرف تمامی کشورها به دبیرخانه کنفرانس پکن می‌رسد، اساس طرحهایی را تشکیل می‌دهد که چارجوب فعالیتهای عملی منطقه‌ای را تعیین می‌کند. این طرحهای منطقه‌ای، در تهیه سند اصلی کنفرانس پکن نقش اساسی دارند. برای تهیه این گزارش به کمیته‌های ملی توصیه شده که از حداکثر مشورت با سازمانهای غیردولتی زنان و نیز مشاوران و فعالان شناخته شده در حوزه مسائل زنان بهره‌گیرند تا دیدگاههای مختلف در این گزارش بازتاب یافته، اطلاعات و ارقام داده شده به‌واقعیت نزدیکتر باشد.

در ایران با وجود این توصیه، گزارش ملی بدون نظرخواهی وسیع از کارشناسان و فعالان مسائل زنان تهیه و به دبیرخانه کنفرانس فرستاده شد و از این رو، در واقع گزارشی است دولتی از تغییر و تحول وضعیت زنان ایران.

اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی ایران در تدارک پکن؟



مهمانان خارجی شرکت‌کننده در اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی ایران

ایران شناسایی یا به بازی گرفته نشده‌اند، به‌ویژه حضور سازمانهای غیردولتی شهرستانها در کنفرانس بسیار کم‌رنگ بود و اظهارات آنها هم که شرکت کرده‌بودند نشان می‌داد که چندان در جریان علت حضورشان در کنفرانس قرارنگرفته‌اند. بنابراین حتی همین گروههای شرکت‌کننده در کنفرانس نیز، که البته بسیاری از آنان نوپایند و تعدادی از آنان حتی چندان هم غیردولتی نیستند، تجربه خاصی از کار مشترک و حضور در عرصه‌های بین‌المللی ندارند. گویی دست‌اندرکاران کنفرانس نیز خود هنوز تعریف منسجمی از خصوصیات، نقش و کارکرد یک سازمان غیردولتی و تفاوت آن با سازمان دولتی در ایران ندارند. بی‌تفاوتی نسبت به نقش سازمانهای غیردولتی امری است که بازتاب آن در بیانیه نیز به‌خوبی مشهود است. این بیانیه کمترین توجهی به نقش و تأثیر این سازمانها نکرده‌است.

از سوی دیگر باید باور داشته باشیم که حتی اگر منظور از برگزاری چنین کنفرانسی رسیدن به همسویی نظرات زنانی از کشورهای مختلف بوده‌است صرف دعوت تعدادی شرکت‌کننده خارجی دسترسی به این هدف را برآورده نمی‌سازد. آنچه بیش از همه به یک کنفرانس، آن هم از نوع بین‌المللی آن، اعتبار می‌بخشد؛ برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند و نظم و ترتیب در اجرای برنامه و ارائه خدمات به‌موقع است که، علی‌رغم فعالیت اعضای جوان و فعال کنفرانس، از آن خیری نبود.

گذشته از همه اینها، یکی از مشکلات مهم سازمانهای غیردولتی ایران، برای شرکت در کنفرانس پکن، مشکل مالی است. این

اسناد یادشده، بیانیه اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی زنان در ایران نیز به تصویب رسید.

در کنار برنامه‌های کنفرانس، چهار میزگرد تخصصی در زمینه‌های «زنان پناهنده»، «زنان در جنگ»، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، «لزوم ایجاد شکل سازمانهای غیردولتی زنان مسلمان» نیز برگزار شد.

پیش‌نویس سند و بیانیه نهایی توسط هیأت علمی کنفرانس تهیه شده بود که با تغییرات جزئی به تصویب شرکت‌کنندگان رسید. این اسناد شامل بخشهای مقدمه، هدفها، موانع و استراتژیهاست که محتوای آنها نهایتاً به موضوع نقش زن در توسعه انسانی بازمی‌گردد.

چنان‌که در گزارش نهایی کنفرانس آمده‌است، «مقرر گردیده» است که اسناد نهایی مصوب «جهت ارائه به کلیه نهادهای بین‌المللی از جمله کنفرانس پکن تسلیم شود».

از آنجا که این گردهمایی نام «اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی» را بر دوش می‌کشید، انتظار می‌رفت حداقل بخشی از آن به طرح مسائل خاص سازمانهای غیردولتی در ایران و تبادل تجربیات با سازمانهای غیردولتی سایر کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس اختصاص یابد تا از این رهگذر سازمانهای غیردولتی ایران نیز توشه‌ای برای سفر به پکن بیندوزند و این در حالی است که، علی‌رغم گذشت ده‌سال از کنفرانس نایروبی، دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی در ایران عمری بیش از یک‌سال ندارد و طبیعی است که در این مدت کم همه سازمانهای غیردولتی

در فاصله روزهای اول تا سوم خرداد، اولین کنفرانس بین‌المللی سازمانهای غیردولتی در تهران، در هتل استقلال، تحت عنوان «نقش زن و خانواده در توسعه انسانی» برگزار شد. برگزارکنندگان این کنفرانس دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی زنان به سرپرستی دکتر معصومه ابتکار و کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن به سرپرستی شهلا حبیبی، مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان، بودند. این کنفرانس با همکاری دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سازمانهای دولتی دیگر تشکیل شد. □

در اطلاعیه منتشر شده در آغاز کنفرانس آمده‌بود که انتظار می‌رود در این کنفرانس نمایندگان ۶۰ سازمان و انجمن غیردولتی ایران و همچنین ۸۰ نفر از نمایندگان ۶۰ سازمان غیردولتی از ۲۵ کشور دنیا شرکت کنند که در عمل، مطابق فهرست منتشره توسط مسئولان دفتر هماهنگی، تنها ۵۳ نفر از میهمانان خارجی و، مطابق آنچه به چشم می‌خورد، تنها حدود ۴۰ سازمان غیردولتی داخلی در کنفرانس شرکت کرده‌بودند که در هر حال جمع قابل توجهی به شمار می‌آمد.

کنفرانس در کنار جلسات عمومی که به سخنرانی مدعوین اختصاص داشت، دارای سه گروه کاری بود که هر سه، در هر روز، درباره یک موضوع مشترک به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. گروههای کاری در روزهای اول و دوم، سندهای نهایی کنفرانس را درباره سه موضوع «نقش زن در توسعه انسانی»، «نقش خانواده در توسعه انسانی» و «نقش ادیان الهی در پیشبرد وضعیت زنان» تصویب کردند. در جلسه نهایی، علاوه بر



مشکل به‌ویژه در مورد آنها که مستقل‌تر و بی‌بضاعت‌ترند صادق است. مسئولان دفتر هماهنگی و دفتر امور زنان اظهار می‌کنند که همچنان به دنبال پیدا کردن منابع مالی برای تأمین مخارج این سفر هستند. آیا در چنین شرایطی بهتر نبود که هزینه گزاف برگزاری چنین کنفرانسی صرف کمک به سازمانهای غیردولتی‌ای می‌شد که به خاطر ضعف بنیه

مالی توان حضور در پکن را ندارند؟ به هر حال مدت زیادی به برگزاری کنفرانس پکن باقی نمانده است. صحبت از ضرورت اقداماتی که می‌توانست امروز سازمانهای غیردولتی ما را نیز قادر سازد تا با ینشی عمیق از نقش خود به عنوان سازمان غیردولتی، حضوری قدرتمند در کنفرانس پکن داشته‌باشند، دیگر دیر است. آنچه اکنون باید

در برنامه کار ما قرار داشته باشد این است که حداقل پیش از رفتن به پکن بدانیم حضور در چنین کنفرانسی با چه هدفی صورت می‌گیرد. باید منتظر ماند و دید آن دسته از سازمانهای غیردولتی که امکان و فرصت این سفر و تجربه بین‌المللی را می‌یابند، برای ما چه به ارمغان می‌آورند ■

شش روز زودتر از زمان برگزاری چهارمین کنفرانس بین‌المللی زنان در پکن، گردهمایی دیگری میان نمایندگان سازمانهای غیردولتی و همچنین افراد علاقه‌مند به مسائل زنان روی خواهد داد. محل برگزاری این گردهمایی هم پکن است و تاریخ برگزاری آن از هشت تا ۱۷ شهریور خواهد بود. اهمیت این نشست نیز به هیچ‌رو کمتر از خود کنفرانس بین‌المللی زنان نیست.

سابقه حضور سازمانهای غیردولتی زنان در عرصه‌های بین‌المللی به سال ۱۹۷۵ در مکزیک و زمان برگزاری اولین کنفرانس میان‌دولتی زنان می‌رسد. در این کنفرانس ۶ هزار مرد و زن، که به نمایندگی از سازمانهای غیردولتی آمده‌بودند، در جلسات و کارگاههای آموزشی گوناگون گردهم جمع شدند. فعالیت این کارگاههای آموزشی از ارائه کالاهای زنان روستایی تا موضوعهای خاصی نظیر کارآموزی زنان اخترشناس را دربرمی‌گرفت.

در کنفرانس ناپروبی نیز، به‌موازات کنفرانس نمایندگان دولتی، ۱۵ هزار نفر در کارگاههای آموزشی، سخنرانیها، نمایشگاهها و مباحثات گروهی، جشنواره بین‌المللی فیلم و ویدئو و از این قبیل شرکت داشتند. محور موضوع گردهمایی سازمانهای غیردولتی همان مسائل کنفرانس جهانی بود. اما در بسیاری موارد دیگر نیز مانند زن، حقوق و توسعه، زن در هنر، موسیقی و غیر آن به گفت‌وگو و تبادل نظر نشستند. با این که در این گردهمایی نیز بیانیه‌ای صادر نشد، اما زمینه ایجاد حدود ۱۲ شبکه و سازمان جدید و بین‌المللی در ارتباط با دورنمای جنبش زنان و فمینیسم و سایر فعالیتهای زنان فراهم

آمد.

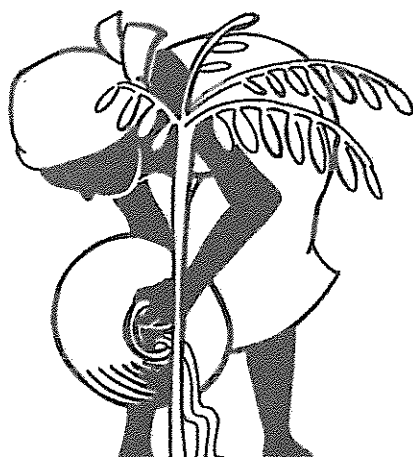
نیت از برشماری سابقه و زمینه فعالیت و حد تأثیرگذاری سازمانهای غیردولتی شرکت‌کننده در چند گردهمایی پیشین نشان دادن اهمیت شرکت در اینگونه نشستها برای سازمانهای غیردولتی ایران است. در این جلسات است که می‌توان از تجربه سایر سازمانهای غیردولتی در تأثیر بر دول متبوعشان، شیوه‌های این تأثیرگذاری و انتخاب مناسبترین آنها در پیوند با فرهنگ، تاریخ و موضوع موردنظر سود جست. علاوه بر این می‌توان از شیوه‌های گوناگون تأمین مالی، در عین استقلال، نوع و چارچوب همکاریهای بین سازمانهای غیردولتی، چگونگی برقراری ارتباط با دولت و چگونگی برخورداری از فعالیتهای مالی و معنوی سازمانهای بین‌المللی آگاه شد.

مهم این است که زنان ایرانی شرکت‌کننده در این کنفرانس دریابند که با سایر زنانی که از کشورها، فرهنگها و جایگاههای طبقاتی مختلف می‌آیند، کجا و چگونه دارای منافع و خواستههای مشترک هستند. با توجه به آنچه گفته‌شد شرکت همه‌جانبه و گسترده در تک‌تک آنها و مشارکت در آنها بی‌شک به هنگام بازگشت هیأت غیردولتی ایرانی در فعالیتهای

آنان نمود خواهد داشت. دستگاه رسمی سازمان ملل نیز خواهان مشارکت هرچه بیشتر نمایندگان غیردولتیها در فعالیتهای مزبور است. شاید علت این پافشاری نقشی است که سازمانهای غیردولتی در دهه ۸۰ یافته‌اند. حضور سازمانهای غیردولتی در این دهه، در عرصه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، در جهان سوم، باید در کشور خود ما نیز با ژرف‌بینی و بررسی همه‌جانبه نوع فعالیت و هدف فعالیت این سازمانها، چه مضمون فعالیت آنها مسائل زنان باشد و چه نباشد، موردبحث قرار گیرد. در کشور ما حدود ۵۶ سازمان غیردولتی فعال هستند، و هر چند کم و کیف فعالیت مستقل آنان هنوز چندان آشکار و تأثیرگذار نیست، اما حضور پاره‌ای از آنها در یک تجربه جهانی می‌تواند، به دلایل گوناگون، امیدبخش باشد.

در آخرین تصمیم‌گیریهای نشست نمایندگان سازمانهای غیردولتی در نیویورک، در اسفندماه سال جاری، از جمله محورهای زیر برای بحث تدارک دیده شده‌است: فقر، آموزش، بهداشت، خشونت علیه زنان، اثرات درگیریهای مسلحانه، ساختار اقتصادی و سیاسی، نابرابری زن و مرد در تصمیم‌گیری، برابری جنسیتی، حقوق بشر زنان، وسایل ارتباط جمعی، محیط زیست.

یکی دیگر از جهت‌گیریها در فعالیت زنان، که در سطح بین‌المللی مطرح است، مشارکت دادن نیروهای جوان در تدارک اولیه کنفرانس و گردهمایی و همچنین برگزاری جلسات برای طرح موضوعات مورد نظر و خاص جوانان است. اینان با شرکت و آشنایی به موضوع می‌توانند همچون نیروی تداوم حرکت مبارزاتی زنان را در آینده



تضمین کنند.

سازمانهای غیردولتی ایرانی می‌توانند از میان ۳۲ موضوع پیشنهادی از طرف کمیته تدارک کنفرانس فعالیت خود را در موضوعاتی که در جامعه ما بیشتر مطرح و اهمیت آن بیش از پیش مورد توجه است متمرکز کنند و اطلاع وسیعی را در این حوزه‌ها در بازگشت از پکن برای سایر زنان

به همراه بیاورند. این موضوعها عبارتند از: دختر بچه‌ها، آموزش، اشتغال، برابری، خانواده، حقوق بشر و زنان مهاجر. سازمانهای غیردولتی که تأییدیه سازمان ملل را دارند و همچنین سازمانهای غیردولتی طرف مشورت سازمان ملل می‌باشند، اجازه شرکت در اجلاس دولتی را دارند. ولی گماکان حق رأی ندارند. دیگر سازمانها

می‌توانند از طریق رسانه‌های مختلف، همزمان، در جریان مصوبات و مباحث قرار گیرند.

فعالتهای هنری و فرهنگی فراوانی نیز برای این مدت تدارک دیده شده‌است که انتظار می‌رود هیأت ایرانی، با حضور خود در آنها دستاوردی در همه زمینه‌ها برای زنان ایران داشته‌باشد.

در سال ۸۵ یک هیأت ایرانی با دو نقش دولتی و غیردولتی در نایروبی حضور یافت. طبعاً تحمیل چنین بارگزافی بردوش گروهی ناهماهنگ، تبعاتی به همراه دارد که در دو مصاحبه‌ای که با خانمها منیره گرجی، سرپرست هیأت ایرانی و اعظم طالقانی، نماینده یک سازمان غیردولتی صورت گرفته، به خوبی مشهود است، با هم می‌خوانیم: ❁❁

● خانم گرجی، چه شد که شما را به سرپرستی هیأت ایرانی، برای شرکت در کنفرانس جهانی زن، در نایروبی انتخاب کردند؟

○ یک روز در دانشگاه الزهرا روی قرآن کار می‌کردیم، آمدند و گفتند برنامه کنفرانس جهانی زن دارد شروع می‌شود و گروههای آزاد هم می‌توانند شرکت کنند. چند تا اصل هم دارد...

● صلح، توسعه، برابری.
○ آن وقتها توسعه نبود: علم، صلح، برابری. به هر حال تئوری با چند نفر از خانمها گذاشتیم تا چیزی برای ارائه داشته‌باشیم. یک روز ما را خواستند و گفتند همه چیز باید دقیق باشد چون آنجا گروههایی هم هستند که نمی‌شود هر کسی را بفرستیم. از من خواستند چند نفر را معرفی کنم و من خانمهای دکتری را معرفی کردم که ظاهراً بعضی خانمهای دیگر با آنها مشکل داشتند. گفتم: «کس دیگری را نمی‌شناسم. چون این افراد باید هم زبان بدانند، هم وارد باشند». خودشان چند نفر از خانمهایی را که یکی از آنها معلول شده‌بود، به ما معرفی کردند. من مخالفت کردم و گفتم: «ما که نمی‌خواهیم نمایش بدعیم، می‌خواهیم حرف منطقی

بزنیم». گفتند: «مگر فکر می‌کنید آنجا چه کسانی هستند؟ ما که نمی‌توانیم خودمان را درگیر کنیم. می‌دانیم که دیگران بیشتر صلاحیت دارند، ولی به هر حال مصلحت می‌دانیم که با همه درنیستیم». گفتم: «می‌خواهید پست خود را حفظ کنید یا واقعاً مصلحت انقلاب و زن و کشور مهم است؟ خانم معلول است ولی چه می‌خواهد بگوید؟ برای هر شخص که نمی‌شود یک مترجم برد». به هر حال آنها مخالفت کردند.

● بالاخره در چه شرایطی به نایروبی رفتید؟

○ وقتی ما رفتیم دو روز از سمینار گذشته‌بود. به ما گفته بودند سمینار ۱۰ روز طول می‌کشد و با سختی مقدار اندکی پول به ما دادند. ولی سفرمان ۲۶ روز طول کشید. بالاخره بعد از ۲۴ ساعت سرگردانی به نایروبی رسیدیم که روز سوم سمینار بود. نمی‌دانم آیا فقط می‌خواستند ما را به نایروبی ببرند؟ نفهمیدم هدف از این سفر چه بود؟ ما حتی یک مقاله نداشتیم که آنجا بتوانیم از روی آن حرفمان را بزنیم. حتی اصول و خطوط بیانیه را به ما نداده بودند. من گفتم نمی‌توانم رأی شخصی‌ام را مطرح کنم، ولی آنها اهمیتی نمی‌دادند. یک نمونه بیانیه را که قبلاً در جایی خوانده بودند، به من نشان دادند؛ واقعاً تأسفانگیز بود. با یک انشای بچه مدرسه‌ای نوشته بودند: «خانمها در ایران کار می‌کنند. پشت جیبه ژاکت می‌بافند.» اینها اصلاً بیانیه نبود. هنر زنهای ما که بافتن ژاکت و پختن حلوا نیست. گفتند: «در دوره قبلی کنفرانس برای همین حرفها کلی برایمان دست زدند. آنها که چیزی سرشان نمی‌شود.» با این ایده‌ها که ما برترین و بهترینیم، رفتیم. همه جاها را گرفته بودند. ما در سالنهای

سخنرانی جا نداشتیم. از پله‌ها بالا و پایین می‌رفتیم تا جا پیدا کنیم ولی دیگران از سه چهار ماه قبل جا رزرو کرده بودند.

● با این وصف شما جلسات را چگونه برگزار کردید؟

○ ما چند روزی را روی همان چمن دانشگاه جلسه برگزار کردیم. البته وسایل ما مثل کتاب، فیلم، اسلاید، نشریه و حتی سوغاتیهایی که خودمان تهیه کرده بودیم و به اندازه یک وانت بود، اصلاً به دستمان نرسید.

● چرا وسایل را با خودتان نبردید؟

○ در ایران از ما درخواست گرایه بار کردند و ما هم پول نداشتیم. به ما گفتند: «شما بروید ما با اولین پست سیاسی وسایل را برایتان می‌فرستیم.» ولی هرگز به دست ما نرسید.

● خوب، از برنامه‌ها بگویید.

○ برنامه کنفرانس غیردولتی که تمام شد، شب آخر از تهران تلفن زدند که خانمها بمانند و در برنامه دولتی هم شرکت کنند. گفتیم: «مگر می‌شود؟ در برنامه دولتی ۱۵۷ کشور به طور رسمی شرکت کرده‌اند.» گفتند: «هر چه هست بمانید.» ما که رفتیم، دیدیم نمایندگان کشورهای دیگر، افراد دوره ۱۰ سال قبل را می‌شناختند. اعضا مثل ارکان تشبیت شده بودند ولی ما هیچ کس را نمی‌شناختیم. آمدیم به مسئولان کنفرانس اعتراض کردیم که چرا همه اصول را در دست دارند و ما نداریم؟! گفتند: «ما این اصول را شش ماه قبل به ایران داده‌ایم، این هم رسیدش!» تقریباً ۴۷۰ اصل به چندین زبان (غیر از فارسی) بود. شب اصول را گرفتیم که تا صبح بررسی کنیم. این اصول حرفه‌ای بود و باید افرادی که فن آن را می‌دانستند آن را می‌خواندند و بررسی



ولی این کمال پیشرفت ما نیست. اگر جلو برویم و زنهای ما بتوانند خودشان را باور کنند و جامعه هم از بالا راههایی را باز کند، در آینده زن به جایگاه خودش می‌رسد ولی الان این جایگاه، جایگاه اصلی زن نیست. ما باید ایمان داشته باشیم که یک انسانیم بدون هیچ وابستگی به هیچ کس. آن قدر که مرد به زن وابسته است، زن به مرد وابسته نیست. زنهای مستقل‌تر از مردها می‌توانند زندگی کنند. قدرت زنان در زندگی بیش از قدرت مردان است ولی مردها برای خودشان شعار داده‌اند که همه چیز برای ماست و به این باور هم رسیدند و پیش رفتند. البته جای امیدواری است که امسال برای کنفرانس برنامه‌ریزی شده و کار به صورت منظم‌تر پیش می‌رود و مقدمات خوبی برای کار فراهم شده‌است.

صحبت را با خانم اعظم طالقانی با این پرسش آغاز می‌کنیم:

● خانم طالقانی، شما در سال ۱۹۸۵ به چه صورت به کنفرانس جهانی در نایروبی راه یافتید؟

○ سال ۸۵، پایان دهه اول کنفرانس جهانی زن در سراسر دنیا بود که ما چون به عنوان یک سازمان غیردولتی شناخته شده بودیم و در کنفرانسهای منطقه‌ای و در کنفرانس نیمه دهه در کپنهاگ شرکت کرده بودیم، برای نایروبی هم دعوت شدیم و با هزینه خودمان در بخش غیر دولتی کنفرانس شرکت کردیم.

● شما چه مدت قبل از آغاز کار کنفرانس از موضوع با خبر شدید؟

○ ما دو ماه زودتر از طریق دعوتنامه‌ای که برای ما دادند، آماده شرکت در کنفرانس

کمی‌بودها و در نهایت جان‌فکندن مسائل زنان می‌گذاشتم، اما هیچ گروهی به تنهایی آنجا نیامده بود. هر گروهی چند مشاور سیاسی، حقوقی داشت و بعضی‌ها هم چند وزیر همراهشان داشتند. روز موعود وقتی پای می‌گرفتم، بعد از یک دقیقه برق قطع شد ولی من ایستادم تا دستگاه درست شد و کارم را مغرورانه ادامه دادم. کل بیانیه ۱۱ دقیقه طول کشید ولی با اینکه ما یک ربع وقت داشتیم، از همان اول تمام مدت به من اخطار دادند که کلام را قطع کنم اما من به خواست خدا بیانیه را تمام کردم.

● هنگام بازگشت به ایران واکنش مسئولان در برابر شما چگونه بود؟

○ وقتی آمدیم تهران، همه حاج و واج بودند که ما کجا رفته بودیم. اگر فوتبالیستها بخوانند به وطن برگردند همه لاقبل به استقبالشان می‌آیند، ولی ما که آمدیم اصلاً کسی نمی‌دانست کجا رفته بودیم. آنها جریان را خیلی بی‌اهمیت تلقی کردند.

● شما به عنوان سرپرست هیأت اعزامی به نایروبی، نظرتان در مورد پیشرفت مسائل زنان ایران حول محورهای عمده مطرح در کنفرانس: صلح، توسعه، برابری چیست؟

○ انصافاً این مسأله خوب پیش رفته و نمی‌شود انکار کرد. به خصوص در مورد توسعه که پیشرفت علمی و صنعتی و اشتغال صورت گرفته‌است. در زمینه صلح هم که عدم تقارن دیدها و افکار مانع آن است. اگر این تقارن پیش بیاید، صلح برقرار می‌شود ولی اگر کسی بر استبداد خود استوار باشد صلحی در جهان پایدار نخواهد ماند.

● با همه تأکیدی که در کنفرانس در مورد برابری صورت می‌گرفت، در این ۱۰ سال چه کارهایی در جهت تحقق آن برای زنان ایران صورت گرفته‌است؟

○ مسأله برابری هم، در اصل شعار است و در معنای ظاهر، غیر ممکن و ضد پیشرفت و ضد توسعه و ضد تعالی انسان است. مگر اینکه برابری به این معنا باشد که زمینه رشد و تعالی برای همه به صورت یکسان امکان‌پذیر باشد و هر کس به اندازه کارکرد خودش حقوق داشته باشد.

● بعد از کنفرانس نایروبی، چقدر برای کسب برابری زن‌ها در ایران تلاش شده‌است؟

○ آن تلاشی که شده با توجه به پیشنی بوده که مسلمانان نسبت به زن داشته‌اند و در همه جا مشهود است. این یک واقعیت است.

می‌کردند. چند تا اصلش را که خیلی به نظرمان بر ضد انسانیت بود درمی‌آوردیم و ترجمه و بحث می‌کردیم. تهران هم هیچ راهنمایی و کاری برای ما نمی‌کرد. بالاخره ۱۰ یا ۱۵ دقیقه فرصت گرفتیم تا بیانیه را بخوانیم، چون دیگران همه وقت گرفته بودند. ما اختلافات درون گروهی هم داشتیم. به هر حال من به یاد آن مصیبتها که می‌افتم...

در نایروبی چند بار تهدید گونه از ما خواستند که این طور در مقابل امریکا موضع نگیرید. حتی یکبار خواستند که من به عنوان رئیس گروه بروم و صحبت کنم. هیأتی تشکیل داده بودند، خیلی تهدیدآمیز و رعب آور. ما را از این سالن به آن سالن می‌بردند و می‌گفتند: «شما این طور تنها تصمیم نگیرید. کسی هم که محافظ شما نیست. در ضمن مسائلتان را با ایران در میان بگذارید. ببینید آیا شما می‌توانید این طور حرفها را بزنید؟» من گفتم: «دولت ایران متشکل از ۴۰-۵۰ میلیون نفر است که من یکی از همان افراد هستم. درست است که سفتی ندارم ولی افکار دولت ایران همان افکار ملت است و دولت هم حرف ما را تأیید می‌کند.» بالاخره بیانیه ما خوانده شد و خیلی هم مورد تشویق قرار گرفت.

● بیانیه شما چه بود؟

○ چیزی نبود. من می‌خواستم از اسلام حرف بزنم و سخن را از صاحبان دین آوردم یعنی از زیربناهای اعتقادی. تنها چیزی که امیدوار کننده بود همین بیانیه بود که ما به زبانهای مختلف تهیه و بین افراد بخش کردیم. بیانیه با بسم‌الله... و سلام بر موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد ص شروع شد و به خصوص شهر کنیا را به عنوان یاران موسی مخاطب قرار دادم. بعد مسأله جنگ و حقوق زن و دفاع از انسانیت را مطرح کردم. ما اتاق کار هم نداشتیم. یک جمع سرگردان بودیم که بدون هیچ امکاناتی گروه را تقسیم می‌کردیم تا به هر نحوی شده در بحثها شرکت کنند. بالاخره امکانات تبلیغاتی ما تا آخر نرسید. حتی وقتی تلفن زدیم، گفتند: «ما فرستادیم.» کجا رفته بود، نمی‌دانم. به هر صورت وضع بسیار اسفباری بود. نکته مهم اینکه ما ۱۰ روزه رفته بودیم ولی سفر ۲۶ روز طول کشید. برای بیانیه چقدر مشکل داشتیم. به ایران می‌گفتم آخر این یک سند است، ولی اصلاً با ما همکاری نکردند. من همه اینها را پای مشکلات آن زمان، جنگ و مبارزان شهرها و

شدیم.

● برای این سفر چه برنامه ریزی‌هایی داشتید؟

○ برنامه‌ها این بود که چند جلسه گفت‌و شنود داشته باشیم. فیلمی هم در مورد جنگ در ایران تهیه کرده بودیم. نمایشگاه عکسی در همین زمینه و نیز تصاویری از بمباران شهرها، حملات شیمیایی و کشتار عراق در ایران داشتیم که بسیار مؤثر بود و وقتی جلسات را همراه با این نمایشگاه برگزار می‌کردیم تأثیر بسیار مثبتی داشت. مطالبی را هم به صورت ترجمه شده آماده داشتیم و بین گروه‌ها پخش می‌کردیم.

● شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس چند نفر بودند و گروه شما چند نفر؟

○ ما نه نفر بودیم و به همین دلیل توانستیم با برنامه و به طور گسترده در بخش‌های مختلف، جلسات، میزگردها، و کارگاه‌ها شرکت کنیم. گروه دولتی هم ۱۲ نفر بودند. جالب است بدانید که از آمریکا حدود ۲۵۰ سازمان غیردولتی شرکت کرده بودند و یکی از حرکت‌هایشان این بود که گروه‌های کشورهایی را که با هم در حال جنگ بودند، در چادری به مناظره دعوت می‌کردند و علت خاصه و راه‌حلهایی برای صلح را از آنها جویا می‌شدند.

● عملکرد بخش غیردولتی چه تأثیری در بخش دولتی کنفرانس داشت؟

○ دو بخش کنفرانس از هم جدا بود. منتهی کنفرانس بخش غیردولتی زمینه‌ساز و مهیا کننده موضوعاتی بود که باید در بخش دولتی تصویب می‌شد. چون در بخش غیردولتی مباحثات و تبادل نظرها و ارائه راه‌حلهای شرایطی را ایجاد می‌کرد که بتوان در بخش دولتی موارد را راحت‌تر به تصویب رساند یا رد کرد. امسال هم در پکن کار به همین روال خواهد بود.

● شما اطلاع دارید که امسال سازمانهای غیردولتی زنان ایران با چه دست‌آوردی به پکن می‌روند؟

○ من شنیده‌ام که در پی جمع‌آوری مطالب مستندی هستند و برنامه‌هایی برای پکن دارند. منتهی مهمترین بخشی که می‌شود آنجا کار کرد این است که زمینه‌سازیهایی برای پیشنهادهای متدرج در سند پکن بشود. فضایی که گروه‌های غیردولتی در آنجا ایجاد می‌کنند، به عنوان اهرم فشار برای تصویب یا عدم تصویب پیشنهادهای بسیار مؤثر و مهم

است و می‌تواند جو کنفرانس را تحت تأثیر قرار بدهد.

● شما سند تهران را مطالعه کرده‌اید؟

○ بله.

● نظرتان چیست؟

○ به نظر من قدم مثبتی بود اما می‌شد با توجه به وضع عمومی جهان و شرایط زنان دنیا و مسائل اسلامی کاملتر و بهتر تدوین شود. باید مترقیانه‌تر برخورد می‌شد. اگر سازمانهای غیردولتی هم می‌توانستند نظر بدهند - با توجه به محدودیتهایی که عناصر دولتی دارند - مسائل و مشکلات بازتر می‌شد.

● چون هیچ‌کدام از مسئولان دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی در ایران از این سازمانها تعریف مشخصی به دست ندادند می‌خواهم بدانم شما تعریفی از آنها دارید و آیا این تعریف با انتخابهایی که در مورد سازمانهای غیردولتی برای اعزام به پکن صورت گرفته می‌خواند یا خیر؟

○ منظور بخش خصوصی است و از حمایت و امکانات بخش دولتی هم می‌تواند استفاده کند، ولیکن راهش مستقل است. می‌تواند این راه را برود، می‌تواند نرود و اگر نرود اثرات کارش ممکن است در یک ابعادی کم بشود و در زمینه‌هایی هم می‌تواند نظر دولت را جلب کند چون در این صورت نظر مردم را جلب کرده، وقتی پایگاه و پشتوانه مردمی پیدا کرد، دولتها و نظامها هم مجبورند به این بخشها عنایت و توجه بیشتری بکنند، چون پایگاه مردمی دارند. چون امکانات دولتی هم مال مردم است. دولتها که از خودشان چیزی ندارند.

● شما از عملکرد هیأت دولتی در نایروبی چه مواردی را به خاطر دارید؟

○ هیأت دولتی متأسفانه هماهنگ عمل نکرد. فقط یکی-دو نفر از ۱۲ نفر زبان خارجی می‌دانستند و اطلاعات مناسبی داشتند اما اختلافات درون خودشان باعث شد نتوانند آن طور که باید و شاید در تصویب سند نقش داشته باشند. در آنجا کارشناسان در کمیته اصلی نقش مهمی دارند. وقتی می‌خواهند سند را تصویب کنند، هر بخشی در یک کمیته مورد بررسی قرار می‌گیرد و این خیلی مهم است که کارشناسان بتوانند با بیان خوب و زبان مسلط در جلسات و کمیته و در جلسه نهایی که سند مورد بررسی قرار می‌گیرد، مطالب را جا بیندازند و افراد وقتی در مورد موضوع خوب توجیه می‌شوند با

بیشتر بیشتری رأی می‌دهند. همچنین در ارائه پیشنهادات جدید می‌توانند فعال و مؤثر باشند. هیأت ایرانی در آن زمان حتی گزارش تهیه نکرده بودند و بعضی اعضای هیأت با همدیگر همدلی و همفکری نداشتند و لذا بقیه هم نمی‌توانستند کار کنند. این هیأت گروه منسجمی نبود. از آن تعداد چند نفری در هیأت امسال هم هستند. البته بخش مهمی از ناهماهنگیها هم به مسئولان وقت در ایران برمی‌گشت.

ایران تا قبل از نایروبی توجه جدی به مسأله زن نداشت ولی بعد از نایروبی این مسائل را جدی گرفت. اما به هر حال در جریان نایروبی دست‌اندرکاران هم مقصر بودند و کوتاهی کردند. عدم حضور یک گروه هماهنگ باعث می‌شد بعضی افراد که خود را صالح‌تر می‌دانستند و خارج از گروه عمل می‌کردند، متوجه بعضی قضایا نشوند و آرایی بدهند که آن آرا به نفع کسانی باشد که ما در دنیا با آنها مبارزه داریم.

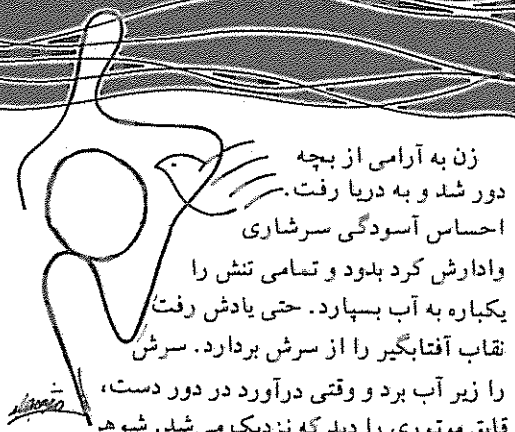
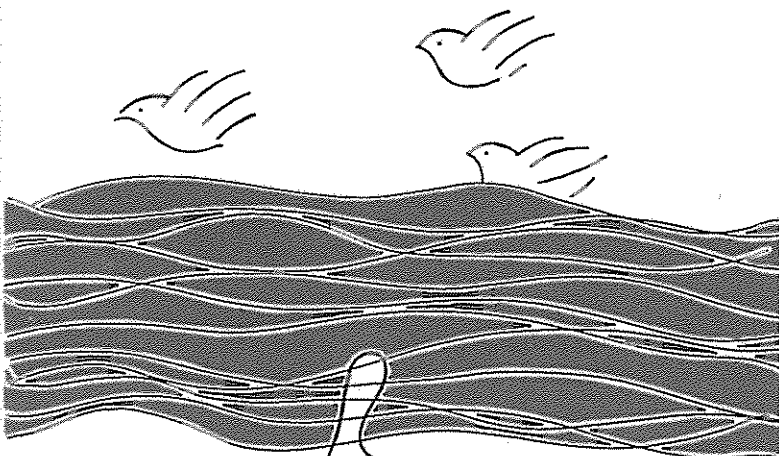
● شما به عنوان یک سازمان غیردولتی در آن میان چه کردید؟

○ ما البته آنجا ساکت نشستیم. با آنکه از ما کمک نگرفتند ولی وقتی متوجه شدیم هیأت دولتی احتیاجاتی دارد و گزارش ندارد، گزارش را به کمک همکاران ترجمه و شبانه تایپ کردیم و به خانها دادیم و اینها را وظیفه خود می‌دانستیم چون فرقی نمی‌کرد، آبروی مسلکت و حیثیت ما در میان بود. اما چیزی که در آنجا برای ما خیلی دردناک بود، این بود که هیأت دولتی علاوه بر اینکه خودش چیزی نداشت، با ما خصمانه هم برخورد می‌کرد. به زنان سودانی گفته بودند اینها از ما نیستند و آن خارجیها این صحبت را به ما منتقل کردند. این وضعیت خیلی ناراحت کننده بود. عقلایی نبود از موضع درک درست نبود یک برخورد احساسی بود. اگر ما از شما نیستیم پس از که هستیم؟ بیگانه‌ایم؟ سودانیها دوست‌تر بودند؟

● به نظر شما براساس محورهای مطرح در نایروبی در خصوص مسائل زنان در ایران چه پیشرفتهایی حاصل شده‌است؟

○ البته در ایران حرکتی ایجاد شده که حداقل خود زنان کم‌کم دارند آگاه می‌شوند. اما هنوز باید تلاش کنند که حقوق مساوی و البته نه مشابه با مردان به دست بیاورند. باید امکانات مساوی برای زنان فراهم شود تا اگر می‌خواهند از آن استفاده کنند ■

زن در ساحل



زن به آرامی از بچه دور شد و به دریا رفت. احساس آسودگی سرشاری وادارش کرد بلود و تمامی تنش را یکباره به آب بسپارد. حتی یادش رفت نقاب آفتابگیر را از سرش بردارد. سرش را زیر آب برد و وقتی درآورد در دور دست، قایق موتوری را دید که نزدیک می‌شد. شوهر

شناکتان به طرف او می‌آمد. فاصله خیلی زیاد بود. مرد دست تکان می‌داد. زن معنی اشاره‌اش را فهمید و با شتاب به ساحل برگشت. قایق موتوری نزدیکتر شد. مردی از توی آن خم شد و چیزی به شوهر زن گفت و دور شد.

زن در ساحل نشسته بود و مرد را تماشا می‌کرد که علامت می‌داد، زن اعتنایی نکرد. رویش را از دریا برگرداند و زانوهایش را بغل کرد. سردش بود و لباس خیسش به تنش چسبیده بود. نزدیک تخته سنگی دراز کشید و چشمانش را بست. وقتی باز کرد که قطره‌های آب از موهای مرد به صورتش می‌چکید.

صورت خیس و پر نشاط مرد دایره نگاهش را پر کرده بود. مرد کنار او دراز کشید و نفس پر لذتی بیرون داد. لبخندی به آفتاب زد و یک مشت ماسه داغ روی سینه‌اش ریخت.

زن نشست و به دریا خیره شد. حالا دیگر کسی در دریا نبود. دریا تنها بود و تن مواجش زیر آفتاب می‌درخشید. مرد حرف می‌زد و هیاهوی موجهایی که هر دم بزرگتر می‌شدند صدای او را قطع می‌کرد. چیزی به غروب نمانده بود. در دوردستها آفتاب به سرخی می‌زد. زن بلند شد و به طرف آب رفت و به نرمی یک ماهی به آغوش امواج سرید. به تمامی زیر آب رفت و به پشت دراز کشید. صورتش زیر نوری که به سرخی می‌زد می‌درخشید.

زن نرم‌نرم از ساحل دور می‌شد. صدای جیغ بچه او را نگاه داشت. موج بلندی از بالای سرش گذشت. رو به ساحل کرد و مرد را دید که لباسهایش را تنش کرده و بچه را آرام می‌کند. زن ایستاد تا موج بلند دیگری بگذرد. مرد در طول ساحل تند و تند قدم می‌زد و بچه را در بغلش تکان می‌داد.

بچه زیر بازوی مرد دست و پا می‌زد. زن ایستاد و مشتایش را به آب کوفت. مرد رو به دریا ایستاده بود و به زن نگاه می‌کرد. بچه توی بغلش بی‌وقفه جیغ می‌زد. زن پشتش را به ساحل کرد. دریای وسیع و ناآرام پیش رویش بود. به طرف موج بلندی که می‌آمد خیز برداشت. مرد یک دستش را دور دهانش حلقه کرد و زن را فریاد زد. زن به دل دریا شنا کرد ■

دریا می‌درخشید. سر کم‌سوی مرد روی آب پیدا و ناپیدا می‌شد. زن با پسرش توی ساحل بازی می‌کرد. پسرک چهار دست و پا به طرف دریا می‌خزید. زن او را بغل می‌کرد و چند قدمی دورتر می‌برد و با سر و صدا دنبالش می‌کرد. پسرک خنده کنان از مادر دور می‌شد و رو به دریا می‌رفت.

زن سطل کوچکی را پر از گوش‌ماهی کرد و پسرک را صدا زد. سطل را تکان می‌داد و بچه تاتی‌تاتی دنبالش می‌رفت. زن او را کمی دورتر از دریا نشانده و به تماشای دریا نشست. موجهای ریز رخشان پیش می‌آمدند و کف کنان و پر صدا روی ماسه‌ها ول می‌شدند. تا چشم کار می‌کرد دریای رنگین بود و آسمان پر نور. چند مرغ دریایی آن دورها پرواز می‌کردند و دیگر چیزی نبود.

زن با چابکی بلند شد. پاچه‌های شلوارش را بالا زد و پاهایش را روی ماسه‌های خیس و گرم گذاشت. موج کوچکی تا میچ پایش بالا آمد و تند فرار کرد. پاهای خیس زن، موج رفته را دنبال کرد. سر مرد از قسمت‌های عمیق دریا بیرون می‌آمد و تو می‌رفت. زن آشغالهایی را که به پایش چسبیده بود کنار زد و جلوتر رفت. آب زلال از پس موجها پیدا شد.

زن تا نیمه در آب بود و چشم از مرد برنمی‌داشت. وسوسه شنا به عمق دریا ولش نمی‌کرد. به ساحل نگاه کرد. پسرک سطل را کناری انداخته و دنبالش راه افتاده بود. روی زانوهایش نشسته بود و با کف دست به آب می‌زد و می‌خندید.

زن جیغی کشید و به طرف پسرک دوید. بچه را بغل کرد و دورتر برد.

بچه دستهایش را رو به دریا دراز کرده بود و گریه می‌کرد. زن بغلش کرد و مرد را که نزدیکتر آمده بود نشان بچه داد. بچه آرام شد و خیره به پدرش نگاه کرد. مرد سرش را از آب بیرون آورده بود و هورا می‌کشید. دستهایش را تکان می‌داد. آب به طرف آنها می‌پاشید و آواز می‌خواند. پسرک می‌خندید و دندان کوچک سفیدش بیرون می‌زد. مرد شیرجه رفت. توی آب ماند. بار دیگر معلق زد و دور شد.

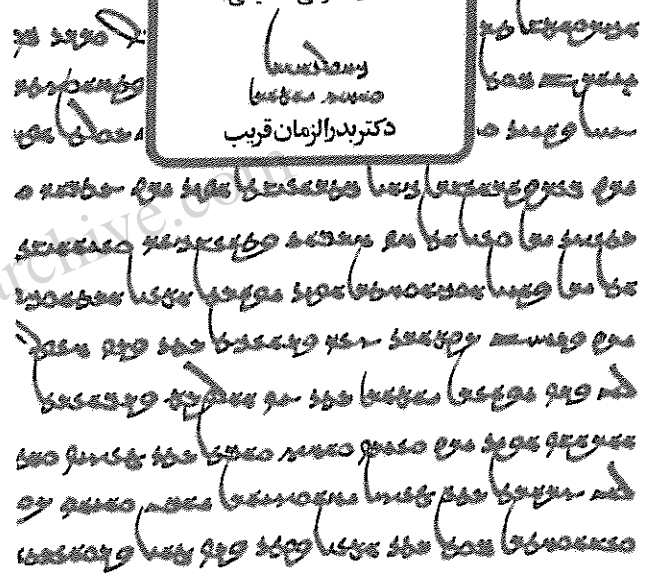
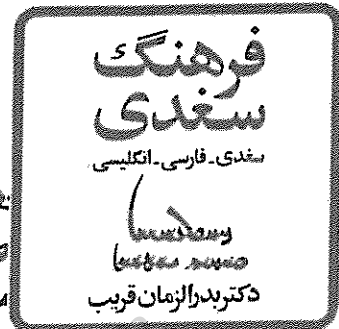
پسرک با نقاب آفتابگیر زن بازی می‌کرد. زن گوش ماهیها را از لابه‌لای انگشتانش می‌ریخت و به صدای آنها گوش می‌داد. موجها بزرگتر شده و صدایشان گوش زن را پر کرده بود. پسرک چشمهایش را با مشت‌های کوچکش مالید. زن دستهای او را شست و لباسی تنش کرد. از لباسها بالش کوچکی درست کرد، بچه را روی آن خواباند و لالایی گفت.

چشمهای بچه باز بود. صدای دریا که بیشتر می‌شد، بی‌حرکت به مادرش نگاه می‌کرد و دوباره پستانک شیشه‌اش را مک می‌زد.

فرهنگ سُغدی
(سُغدی - فارسی - انگلیسی)

بدرالزمان قریب
تهران
فرهنگان
۱۳۷۴

امروزه تنها یادگار زنده‌ای که از زبان سُغدی برجاست و بنابر موازین زبان‌شناسی دنبالهٔ زبان سُغدی محسوب می‌شود، گویش یغناپی است که در دژهٔ رودخانهٔ یغناپ در میان قلل مرتفع جبال حصار و زرافشان^۱ بدان سخن گفته می‌شود. در اوایل قرن حاضر هیأت‌های اکتشافی در ترکستان چین در آسیای مرکزی از نواحی نزدیک شهر سمرقند تا



برج‌های داخلی چین در تون‌هوانگ (Tun Huang) اسناد و مدارکی از زبان سُغدی را به صورت پراکنده کشف و به تدریج به اروپا منتقل کردند. این نوشته‌های کهن به وسیلهٔ دانشمندان مختلف اروپایی و امریکایی مورد بررسی قرار گرفت. بیشتر متون موجود سُغدی دارای موضوع مذهبی و متأثر از فلسفه و عقاید ادیان بودایی، مانوی و مسیحی است و به همین اعتبار به سه گروه متون سُغدی بودایی، سُغدی مانوی و سُغدی مسیحی تقسیم می‌شود. از آنجا که بیش از ۹۰ سال از آشنایی اروپاییان با این زبان

در حدود هزارهٔ اول میلادی، زبان سُغدی مهم‌ترین زبان ایرانی در آسیای مرکزی و دیرزمانی ابزار ارتباط و پیوند فرهنگ‌های شرق و غرب آسیا بوده و این نقش را به خوبی ایفا می‌کرده‌است. سُغد نام ناحیه‌ای میان سیحون و جیحون بوده و زبان سُغدی از زبان‌های گروه شرقی ایرانی میانه^۲ است. زبان سُغدی بر اثر نفوذ و توسعهٔ تدریجی فارسی میانه (برخوردار از پیشینیانی دولت ساسانی) و نیز زبان ترکی (ارمنیان هجوم قبایل ترک زبان به آسیای مرکزی) از رواج افتاد و به تدریج به دست فراموشی سپرده شد.

نمی‌گذرد، در میان آثار متعدد ایران‌شناسان جهان دربارهٔ زبان‌های ایرانی جای واژه‌نامه‌ای جامع از زبان سُغدی به یکی از زبان‌های زندهٔ دنیا حقیقتاً خالی بود. مؤلف کتاب فرهنگ سُغدی، استاد زبان‌های باستانی در دانشگاه تهران (از ۱۳۵۰ تاکنون) و بانی نخستین کرسی آموزش زبان سُغدی در ایران است. دکتر بدرالزمان قریب پس از ۲۰ سال تلاش خستگی‌ناپذیر در گردآوری و تدوین این کتاب، موفق به تألیف و انتشار واژه‌نامه‌ای برای زبان سُغدی همراه با معادلهای فارسی و انگلیسی شده‌است. بی‌گمان با توجه به کمبود منابع فارسی دربارهٔ زبان سُغدی که تقریباً همهٔ آنها نیز از آثار این مؤلف و یا شاگردان ایشان است، می‌توان به ارزش تدوین این فرهنگ بی‌برد.

با وجود این، شایان ذکر است که هنوز به زبانی دیگر نیز چنین واژه‌نامه‌ای برای زبان سُغدی نوشته نشده و این نخستین بار است که بانویی دانشمند از سرزمین ایران توفیق آن را یافته است که به این کار فرهنگی بزرگ دست یازد، هر چند سطح علمی این اثر وجههٔ جهانی دارد و همهٔ پژوهشگران زبان سُغدی و نیز زبان‌های کهن ایرانی و رشته‌های وابسته از آن بهره‌مند خواهند شد؛ این واژه‌نامه برای ادیبان و پژوهندگان و دانشجویان زبان فارسی ارزشی متمایز دارد، زیرا که گنجینهٔ عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات و اسکان واژه‌سازی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و از آن سودهای بسیاری در جهات گوناگون حاصل خواهد آمد. به ویژه این نکته در خور توجه است که زبان فارسی در این اثر حامل پژوهشی سترگ و نوین در جهان علم است و این افتخار بازیافته را «نیون زنی» است از جامعهٔ ما.

بخش اصلی این کتاب دارای بیش از ۱۱ هزار و پانصد مدخل به ترتیب الفبایی بر اساس املائی مورد پذیرش سُغدی‌دانان امروز دنیا و با

شمارهٔ مسلسل است. ذیل هر مدخل، دیگر مشخصات هر واژه به شرح زیر آمده‌است: متن مأخذ (بودایی، مانوی، مسیحی و یا متنها و کتیبه‌های غیرمذهبی)، آوانویشت^۳ (که برای نخستین بار در دنیا، در این کتاب به این صورت ارائه می‌شود)، اشتقاق، برابره‌های فارسی و انگلیسی، نکات دستوری، گونه‌های املائی^۴ (که هر یک در عین حال، در محل الفبایی مناسب خود، مدخلی مستقل است) و بالاخره صورت جامعی از مأخذ هر واژه و ارجاع هر مدخل به مدخل‌های دیگر بر اساس مشابهت‌های دستوری یا اشتقاقی و ندرتاً معنایی.

دو فهرست الفبایی یکی به فارسی و دیگری به انگلیسی مکمل بخش اصلی کتاب است که در مقابل هر مدخل در هر کدام از فهرست‌ها، کلمات یا اصطلاحات یا عبارتهای کلیدی که نهایتاً به یافتن واژه‌های سُغدی کمک می‌کنند، به ترتیب الفبایی آمده‌اند و جلوی هر یک شمارهٔ مدخل مربوط به آن، یعنی شماره‌های واژه‌های سُغدی مربوط، در بخش اصلی آمده‌است و کتاب را در هر یک از زبان‌های نامبرده قابل استفادهٔ دو سویه می‌کند و برای بررسی ریشه‌شناختی و اشتقاق نیز ابزار مفیدی است زیرا از هر کلمه در فهرست‌های واژه‌یاب می‌توان به گروهی از واژه‌های سُغدی دست یافت که هر یک معمولاً با واژه‌های دیگری نیز در محدودهٔ الفبایی پیرامون خود قرابت دارد به طوری که هر کلمه در فهرست واژه‌یاب به خوشه‌ای از کلمات سُغدی راه می‌برد.

مقدمهٔ کتاب به دو زبان فارسی و انگلیسی توصیف جامعی از منابع تاریخ قوم سُغد، آثار مکتوب سُغدی و تاریخچهٔ کشف و چاپ آثار و دست‌نوشته‌های آنان و هم‌چنین تاریخچه‌ای از خط سُغدی و جدول تطبیقی گونه‌های مختلف خط سُغدی^۵ است.

افزون بر این، فصلی دربارهٔ دستگاه صوتی و نظام آوایی زبان

چاپ اول ۱۳۷۴

ص ۲۴۰

کتاب حاضر که چند جایزه بین‌المللی را به خود اختصاص داده و به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده است، پرتیراژترین و پرفروش‌ترین کتاب شیرینی‌پزی جهان معرفی شده است.

کسانی که علاقه‌مند به شیرینی‌پزی هستند، با استفاده از این کتاب می‌توانند، به آسانی، جهت مناسب‌های مختلفی چون جشنهای خانوادگی، عروسیها و مهمانیهای بزرگ و گرجک، انواع کیک، شیرینی، تارت، نان و بیسکویت دلخواه خود را درست کنند.

در ترجمه مقدمه آلمانی کتاب آمده: «ما برای کلیه انواع شیرینیها مقدار ژول و کالری هر قطعه را محاسبه کرده و در اختیار شما قرار داده‌ایم. برای کیکهایی که در قالب پخته می‌شوند اندازه و شکل قالب خاطر نشان گردیده و در زمینه



شیرینیهای کوچک تعداد تقریبی آنها را یادآوری نموده‌ایم. در باب لوازم و ابزار، قالبها و اصطلاحات شیرینی‌پزی نیز توضیحات لازم داده شده و با در تصویر و طرح ارائه نموده‌ایم و نیز در فصل مربوط آموزش داده شده که چگونه می‌توان کیک یا بیسکویتها را برای مدت نسبتاً طولانی نگهداری یا فریز کرد.»

لازم به ذکر است که همه شیرینیها دوبار به وسیله نویسندگان کتاب و یکبار هم به وسیله مترجم با دقت و وسواس کافی پخته و آزمایش شده است ■

بگذار تو را آواز بخوانم (مجموعه شعر)

اعظم حسینی

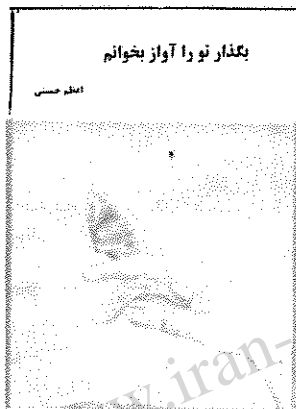
تهران

نشر الفبا

چاپ ۷۳

ص ۲۰۸

۲۹۰۰ ریال



در کدام نقطه ایستاده‌ام اینک؟

در چهارراه باد چه می‌جویم؟

با خانه‌ام چه رفته‌است

که پلکانهای گنه‌اش

به اعماق می‌کشاند

و آینه این چنین از خشم چه‌روم

ترک برمی‌دارد؟

بگذار تو را آواز بخوانم، شامل

۸۸ قطعه شعر کوتاه از اعظم حسینی

است. عنوان کتاب نیز برگرفته از

قطعه‌ای به همین نام است.

این کتاب با قطع رقی و جلد

شمسیر در دسترس علاقه‌مندان

می‌باشد.

هنر شیرینی‌پزی در منزل (شامل کیکها، تارته‌ها، بیسکویتها، کیکهای عروسی، تولد و...)

کریستیان تیونر، آنت ولتر

ترجمه زری خاور (مرعشی)

تهران

مترجم

شرقی شامل سُغدی و خوارزمی و بلخی است.

۲ - اصطلاح ایرانی میانه شامل زبانهایی است که از انقراض شاهنشاهی هخامنشی (حدود ۳۰۰ قبل از میلاد) تا آغاز اسلام در سرزمین وسیع ایران (حدود ۷۰۰ بعد از میلاد) به کار می‌رفته‌است و زمانی کاملاً تقریبی است. این اصطلاح بیشتر ناظر به ساختمان زبانهاست.

۳ - این ناحیه اکنون در جمهوری تاجیکستان قرار دارد.

۴ - البته تعدادی افسانه و داستان نیز نظیر داستان «کشاورز و ماهیگیر»، «رویا و میمون» «سه ماهی» و غیره در میان این متون دیده می‌شود.

۵ - آوانوشت عبارت است از تلفظ واژه سُغدی با الفبای بین‌المللی.

سُغدی به اختصار در مقدمه آورده شده‌است. کتاب در بخش فارسی با فهرست واژه‌یاب فارسی و در بخش انگلیسی با فهرستهای اختصارات عام و اختصارات مأخذ و واژه‌یاب انگلیسی تکمیل شده‌است.

باید این نکته را نیز ذکر کرد که انتشار چنین اثر بزرگی به زبان فارسی از نظر چاپ نیز کاری نوین و انصافاً دشوار بوده‌است و طبیعتاً نمی‌تواند به‌دور از غلطیهای چاپی باشد اما با توجه به حجم زیاد کتاب و مشکلات چاپ چنین آثاری می‌توان ادعا کرد که انتشار این فرهنگ در جهت ارتقای صنعت چاپ و انتشار کتاب در ایران گامی به پیش محسوب می‌شود.

در اینجا برای نمونه چند مدخل از این فرهنگ آمده‌است:

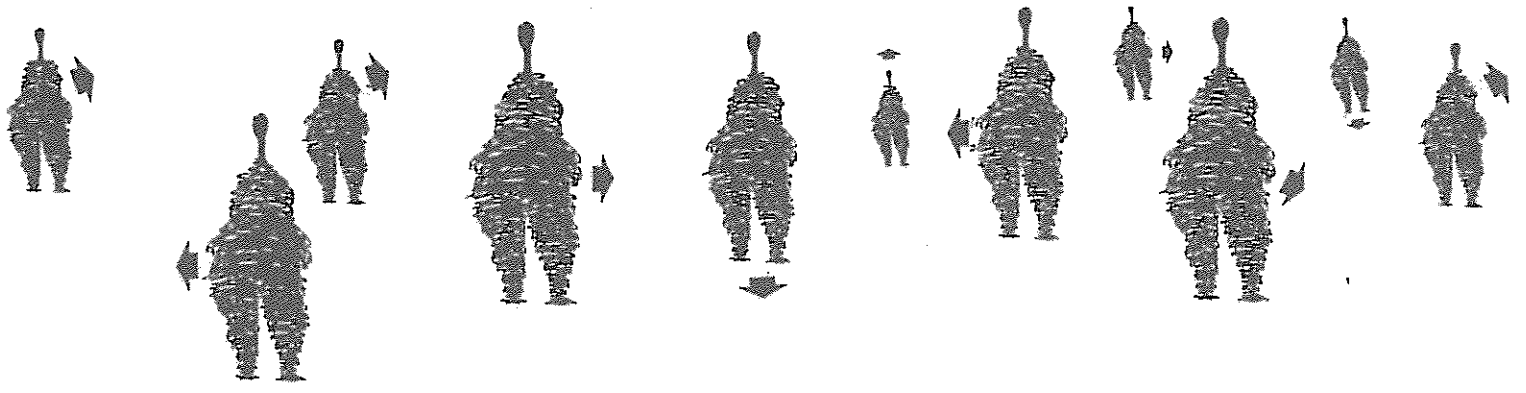
6680	pcmy B	تجیب
	pačmāk, pačmē ⇒ pcm* ^h k ^h	
	noble	
	TSP 8.169; Hen. Texts. 736	
6681	pcng C	صلیب، آلت شکنجه
	pačang @c*pati-šan ⇒ ptcng, pišng, ptš ^h nh	
	cross, torture instrument	
	STi 13.10, 50.3; GMS 164	
6682	pcp'ncyq C	قریب‌الوقوع، نزدیک، در راه
	pačpāncik @adj; pl. -t	
	imminent	
	C2 52V12; BSTii 917.12	
6683	pcp'n(h)	مستقر، آماده‌مصرف
	pačpān ⇒ ptcšp'n, pcp'y-	
	exposed, established, ready	
	TSP 7.66n p212; Hen. Tales. 475.23n4; Sund.	
	Aofiii 1975, 18R17; f. pcp'nh, KG 327, 570;	
	STi 50.5, 87.20; BSTi apud.; Benv. JA 1943-5,	
	113; BSTii: C2 gloss. "imminent", used as adv.	

یادداشتها:

۶ - گونه‌های اسلامی عبارت است از شکل‌های مختلفی که کلمه با آن املا شده‌است.

۷ - خطهایی که زبان سُغدی به آنها نگارش شده عبارتند از: خط سوتره، خط مانوی و خط سترنجلی ■

۱ - زبانهای ایرانی میانه از نظر نزدیکی و شباهت خصوصیات ساختمان به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. گروه غربی شامل زبانهای فارسی میانه و پارتی و گروه



برای رفع چاقی،

چقدر از این شاخه

چقدر برای لاغری از این شاخه به آن شاخه می‌پرید؟ اگر واقعاً قصد لاغر شدن دارید بهتر است از این ۱۵ باور غلط که درباره رژیم غذایی وجود دارد پرهیز کنید. ❏

۱- اگر کمتر غذا بخورم وزنم کم خواهد شد:

این گفته واقعیت ندارد. اگر کم غذا بخورید بدن حالت قحطی زده به خود می‌گیرد و حتی چربی ذخیره شده در بدن را مورد استفاده قرار نمی‌دهد. در نتیجه سوخت‌وساز بدن کاهش می‌یابد و بدن شما به جای مصرف چربی اضافه، آن را ذخیره می‌کند.

۲- گذشته مهم نیست، رژیم جدیدی را شروع می‌کنم:

این کار درست نیست. اگر بارها رژیم غذایی کم کالری گرفته‌اید، بدن خود را به ذخیره کردن چربی عادت داده‌اید و آن را برای «گرسنگی» بعدی آماده کرده‌اید. برای آنکه سوخت و ساز بدن را افزایش دهید، به جای ذخیره چربی، آن را مصرف کنید. انجام تمرینات ورزشی بهترین راه برای تثبیت وزن بدن است.

۳- بهترین راه، محاسبه میزان کالری مصرفی روزانه است:

طبق اطلاعات جدید شمارش کالری

چندان اهمیتی ندارد. به جای این کار بهتر است مقدار چربی مصرفی خود را محاسبه کنید. تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد کالری مصرف شده از چربی به دست می‌آید برای محاسبه چربی توجه داشته باشید که هر یک گرم چربی حاوی ۹ کالری است.

۴- بهتر است مقدار غذایم را کنترل کنم:

اینکه چه می‌خورید خیلی مهمتر از آن است که چقدر می‌خورید. وقتی چربی را از رژیم غذایی حذف کردید، می‌توانید آن قدر میوه، سبزی و حبوبات بخورید تا احساس سیری کنید. البته این بدان معنی نیست که باید یک نان درسته بخورید، که چربی هم ندارد، با این فکر که رژیم غذایی‌تان را به خوبی حفظ کرده‌اید.

۵- نباید بین وعده‌های غذا چیزی بخورم:

بهترین زمان برای غذا خوردن وقتی است که احساس گرسنگی می‌کنید. به جای آنکه از روی ساعت غذا بخورید، به ندای بدنتان گوش دهید چون بدن می‌داند چه موقع ذخیره انرژی‌اش تمام شده و نیاز به غذا دارد. وزن مطلوب برای هر کس خاص اوست و طبیعت علایم موثقی در اختیار ما گذاشته که می‌تواند در این مورد راهنمای ما باشد.

۶- درست نیست در اتومبیل،

رختخواب و یا خیابان غذا بخورم: در واقع محل غذا خوردن ربطی به چاقی و لاغری ندارد. شما می‌توانید غذای مطبوعی پشت میز غذاخوری، در پرتو نوری ملایم و با آرامش کامل صرف کنید و یا هنگام خرید به سبزی‌گاز بزنید، چندان تفاوتی ندارد. آنچه مسلم است غذایی که در حالت ایستاده و با عجله خورده شود، دیرتر فرد را سیر می‌کند.

۷- مشکلات روحی باعث چاقی ام می‌شوند:

گو اینکه مسائل روحی و عاطفی در این زمینه نقشی دارند ولی نباید شما را محدود کنند. در چنین مواقعی می‌توانید در کنار کارهای روزمره، تمرینات ورزشی را آغاز کنید و به وضع تغذیه خود نیز سر و سامان دهید.

۸- وقتی ناراحت، خسته و تنه‌ایم و یا حوصله‌ام سررفته، زیاد غذا می‌خورم و چاق می‌شوم:

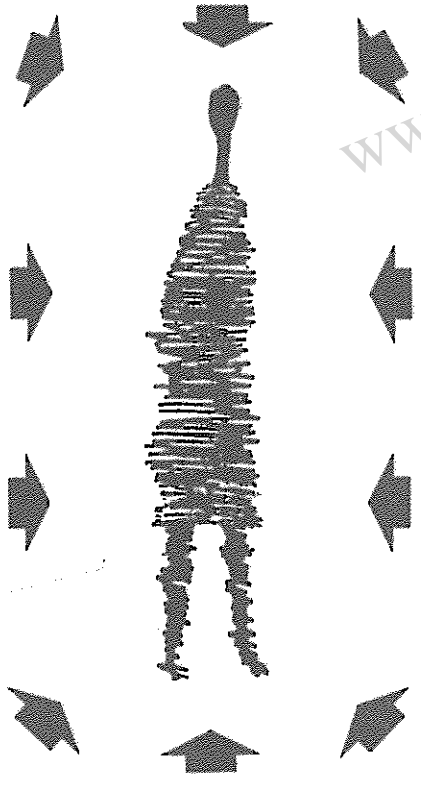
همه ما گاهی برای پر کردن «خلاء عاطفی» پر خوری می‌کنیم. در چنین مواقعی بهترین کار این است که خوراکی‌های کم‌چربی مثل ذرت بوداده، بیسکویت، چوب‌شور، سیب‌زمینی، ماکارونی و یا ماست بدون چربی مصرف کنید. آشامیدن یک لیوان بزرگ آب خیلی سریع آرامش را به شما باز می‌گرداند، بدون آنکه حتی یک گرم هم به وزنتان اضافه شود.



آنها شاخه؟!

میچ الیاس
ترجمه افسون زمردیان

شما و بدنتان به نوعی هماهنگی می‌رسید. دیگر جنگی میان میل به خوردن و میل به لاغری نخواهد بود.



۱۲- هر روز باید خود را وزن کنم:
در واقع این ایده نادرستی است چون تنها چیزی که شما باید از دست بدهید، چربی است و ترازو فقط کاهش یا افزایش آب بدن و نوسانات طبیعی آن را نشان می‌دهد. در ضمن وزن ماهیچه از چربی بیشتر است. در نتیجه زمانی که ورزش می‌کنید مسلماً کشیده‌تر می‌شوید ولی ترازو این کاهش را نشان نمی‌دهد. برای اندازه‌گیری چاقی یا لاغری بهتر است به گشاد یا تنگ شدن لباسهایتان توجه کنید.

۱۳- اگر در طول هفته چیزی نخورم در آخر هفته می‌توانم دلی از عزا در آورم:
این حالت «شل گن - سفت گن» نه تنها کارساز نیست بلکه مضر هم هست. با ورزش منظم و مصرف غذاهای مغذی و کم‌چربی می‌توانید هر روز از زندگی لذت ببرید و بدون عذاب کشیدن به هدفتان برسید.

۱۴- چون اراده قوی ندارم نمی‌توانم وزنم را کم کنم:
انسان طوری خلق شده که از خوردن لذت می‌برد. غذا سوخت لازم بدن را تأمین می‌کند و همیشه نوعی مایه دلخوشی در زندگی است. به جای مبارزه با گرسنگی، از آن استقبال کنید، فقط غذاهای مغذی کم‌چربی و البته خوشمزه را انتخاب کنید. به این طریق

۹- قند زیاد مرا چاق می‌کند:
تا همین اواخر عقیده بر این بود که قند باعث چاقی می‌شود اما حالا روشن شده که چربی تمام این مشکلات را به بار می‌آورد. در ضمن در بسیاری از غذاها چربی و قند «همراه» هستند. بکوشید این دو را از هم «جدا» کنید. از مواد غذایی که طعم شیرین دارند استفاده کنید. هرگاه هوس چیز شیرینی کردید؛ میوه تازه، بیسکویت بدون چربی و حتی آبنبات چوبی بخورید.

۱۰- نشاسته مرا چاق می‌کند:
این عقیده‌ای قدیمی و منسوخ است. نشاسته یا کربوهیدراتهای مرکب بسیار مغذی هستند و معمولاً مواد سلولزی بیشتری دارند و باعث افزایش وزن نمی‌شوند. به همین خاطر خوردن حتی شش الی ۱۱ وعده نان، برنج، غلات و ماکارونی در روز مانعی ندارد!

۱۱- ورزش چندان مهم نیست، باید رژیم را حفظ کنم:
برای کاهش و تثبیت وزن بدن، ورزش عاملی بسیار حیاتی است. ورزش سوخت و ساز بدن را بالا می‌برد و بافت‌های سوزاننده چربی را تقویت می‌کند. بهتر است در برنامه ورزشی خود پیاده‌روی زیاد، بدنسازی، کار با وزنه و یا تمرین رشته ورزشی مورد علاقه‌تان را بگنجانید.

۱۵- بالاخره روزی رژیمی پیدا می‌کنم که به دردم بخورد:
در واقع تنها یک راه برای کاهش و تثبیت وزن وجود دارد: تغییری استوار در روش زندگی خود به وجود آورید!